





# حفظ جهت حرکت انقلاب، چگونه؟

معرفی اجمالی اولین نقشه راه تولید الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

---

**عنوان و پدیدآور:** حفظ جهت حرکت انقلاب، چگونه؟/حمیدرضا

اسلامی نیا

**عنوان عام اثر:** پیش خوان جامع سطح اول (معرفی نقشه راه)

**موضوع:** معرفی اجمالی اولین نقشه راه تولید الگوی اسلامی - ایرانی

پیشرفت

**تاریخ انتشار:** آبان ماه ۱۳۹۳

**طراحی جلد و صفحه آرای:** حمیدرضا اسلامی نیا

**مشخصات ظاهری:** ۱۲۱ صفحه در سایز A5

حقوق اثر متعلق به شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی

[WWW.Pishraft-azna1.blog.ir](http://WWW.Pishraft-azna1.blog.ir)

---



مقالة

بسم الله الرحمن الرحيم

قطعاً ایجاد یک حکومت جهانی اسلامی، آرمان و هدف والای انبیاء عظام و ائمه معصومین علیهم السلام بوده است و به تبع ایشان، علما و فقهای عظیم الشأن شیعه این هدف را هر کدام به نحوی دنبال کردند تا اینکه به عصر امام خمینی قدس سره رسیدیم. ایشان برای نیل به این مقصود یک تئوری جدید ارائه دادند و برای تحقق آن، از هرگونه فعالیت و تلاشی<sup>۱</sup> که قالبی برای تحقق آن تئوری محسوب می‌شد استفاده می‌کردند. این تلاش‌ها از سال ۱۳۴۲ (ه.ش) آغاز شد و در سال ۱۳۵۷ (ه.ش) به ثمر نشست. در واقع انقلاب اسلامی ایران آغازی است برای حکومت اسلام و تحقق شاخص‌های اسلام در تمام دنیا و این ادعای انقلاب است.

مهم‌ترین سؤالی که ذهنم را مشغول کرده بود این بود که آیا ما انقلاب کردیم تا به همین سطح فعلی از اسلام برسیم و یا اینکه آینده‌ای روشن‌تر از این در مقابل ما است؟ سخن از انقلاب اسلامی یقیناً از زبان کسانی که پرچم‌داران و رهبران آن هستند، محکم‌تر و دقیق‌تر است. زمانی که برای یافتن پاسخ این سؤال به ادبیات انقلاب<sup>۲</sup> رجوع می‌کنیم، افقی برای این انقلاب ترسیم شده است که جهل نسبت به آن، یک زندگی بی‌معنا را در کشور ایران به دنبال خواهد داشت؛ جهل نسبت به موضوعی که تمام برنامه‌ها، رویکردها و فعالیت‌های ریز و درشت کشور باید ناظر به آن موضوع و به محوریت آن موضوع باشد. اینکه چه آینده‌ای را ترسیم کرده‌اند، قسمتی از بحث این محصول است و به آن خواهیم پرداخت اما نکته مهم این است که انقلاب اسلامی ایران برای رسیدن به آن افق روشن و «حفظ

---

<sup>۱</sup> البته تمام فعالیت‌ها به محوریت اسلام عزیز انجام می‌شد.

<sup>۲</sup> منظور از ادبیات انقلاب، بیانات امام خمینی قدس سره و امام خامنه‌ای حفظه الله است.

جهت‌گیری» خود، باید موانعی را پشت سر گذاشته و گام‌های بلندی بردارد. در حال حاضر آنچه که به عنوان بزرگترین مانع محسوب می‌شود، ناتوانی ساختارهای کشور برای تحقق شاخص‌های اسلام است چراکه متأثر از نظام ۵۰۰ ساله توسعه غربی هستند.<sup>۱</sup>

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۸۵ از ناکارآمدی نظام توسعه غربی و نیازمندی به یک الگوی جدید برای تحقق شاخص‌های اسلام، یک جمع‌بندی ارائه داد. رهبر معظم انقلاب طی یک سخنرانی در سال ۱۳۸۵ مسأله‌ای را مطرح کردند تحت عنوان الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت و از سوی دیگر دهه چهارم انقلاب را دهه عدالت و پیشرفت توأمان نام‌گذاری کردند. بعد از طرح مسأله، جریان‌های علمی مختلفی به این مسأله پرداخته‌اند که هر کدام مبنای خاصی دارند.

شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی که از جمله جریان‌های فعال بر مسأله می‌باشد، برای تولید، تحقق و اجرایی ساختن الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت سه مرحله تعریف کرده است. مرحله اول که پشت سر گذاشته شده، مرحله پژوهش است که دوره تحصیل مبانی بوده و خروجی این دوره، یک سند علمی است با عنوان *نقشه راه تولید الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت* و این محصول پیش‌رو، قصد معرفی این نقشه راه را دارد. مرحله دوم، مرحله پرورش است که در حال حاضر در این مرحله قرار دارد و مرحله آینده،

---

<sup>۱</sup> به اثبات این ادعا نیز اجمالاً در متن پرداخته شده است اما در همین جا می‌توان با یک سؤال به اثبات برسیم و آن اینکه چرا در کشورهای توسعه یافته، مسأله عدالت (به عنوان یکی از شاخص‌های اسلام) نادیده گرفته می‌شود و چرا نهاد خانواده دچار فروپاشی شده است؟ نظام توسعه غربی هیچ‌گاه پاسخی برای این سؤال ندارد...

مرحلهٔ پردازش نام گرفته است.<sup>۱</sup> در مرحلهٔ پرورش ۳ فعالیت عمده باید صورت بگیرد؛ گفتمان‌سازی برای الگوی پیشرفت اسلامی، تربیت کارشناس و ایجاد ساختارهایی در دل ساختارهای نظام که متکفل مسألهٔ الگو شوند. کارشناس مسألهٔ الگوی پیشرفت طبق تعریف این شورا باید دارای چند ویژگی باشد.<sup>۲</sup> تولید محصول علمی مانند محصول پیش‌رو از جمله فعالیت‌های بخش تربیت کارشناس محسوب می‌شود که با روش خاصی به نام فهرست نویسی<sup>۳</sup> تهیه می‌شود.

همانطور که عرض شد، این محصول در صدد معرفی نقشهٔ راه تولید الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت است با این بیان که هدایت نظامات ذهنی از طریق پردازش موضوعات جهت‌ساز، استراتژی بی‌رقیب این نقشهٔ راه برای تولید و تحقق الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت است. این نقشه مشتمل بر ۸۱ محور عملیاتی<sup>۴</sup> و به عبارتی ۸۱ موضوع جهت‌ساز است که قدرت بر گفتمان‌سازی و همچنین مدیریت تحولات اجتماعی به سمت پیشرفت اسلامی، ثمرهٔ پردازش این موضوعات جهت‌ساز خواهد بود.

از خداوند متعال می‌خواهیم که برای خدمت به اسلام عزیز توفیقمان دهد و از همسرم که در این راه پشتیبانم است، تشکر فراوان می‌کنم.

بیست و نهم آبان‌ماه ۱۳۹۳

بیست و ششم محرم ۱۴۳۶

---

<sup>۱</sup> تفصیل این سه مرحله در بحثی با عنوان «افق‌نمایی برای الگوی پیشرفت اسلامی» بیان شده است.

<sup>۲</sup> خوب شنیدن، خوب دقت کردن، خوب نوشتن، خوب مقایسه کردن و خوب سؤال کردن

<sup>۳</sup> محصولاتی در قالب کتاب برای شرح این روش تولید شده است.

<sup>۴</sup> تشبیه به یک نقشهٔ عملیات نظامی



## فهرست اجمال

- ۱- الگوی پیشرفت اسلامی، الگوی حفظ جهت گیری انقلاب ..... ۱۳
- ۲- اصلاح ساختارهای ذهنی (هدایت نظامات ذهنی) از راه پردازش موضوعات جهت ساز، پاسخ نقشه راه به چگونگی تولید الگوی پیشرفت اسلامی ..... ۵۳
- ۳- یکسان انگاری پیشرفت اسلامی و توسعه غربی، بزرگترین خطر در مسیر تولید الگو و ضرورت رفع این خطر برای نیل به مقصود ..... ۷۱
- ۴- گفتمان سازی، گام اول در مسیر تولید الگو و رافع خطر یکسان انگاری و هدایت نظامات ذهنی (اصلاح ساختارهای ذهنی) از طریق پردازش موضوعات جهت ساز، مؤثرترین روش در این گام ..... ۸۹
- ۵- شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی، از جمله جریانات فعال بر مسأله الگوی پیشرفت اسلامی و نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی، اولویت کاری این شورا .... ۱۰۳



# فصل اول

الگوی پیشرفت اسلام،

الگوی حفظ جهت گیری انقلاب

---

الگور اسلام ایرانر پیشرفت ادرامه راه انقلاب اسلام و  
به دنبال حفظ جهت حرکت آخ است. فهم جهت حرکت  
انقلاب اسلام نیازمند فهم سه اصطلاح مبنای حرکت، مراحل  
تحقق مبنای و موضوع انتقال از هر مرحله به مرحله بعد می باشد.  
مبنای حرکت انقلاب اسلام، نظام ساز اسلام بر اساس تحقق  
شخصی هار هویت اسلام است که در پنج مرحله تحقق می شود و  
لاکنون در مرحله سوم قرار داریم و آنچه که ما را از این مرحله به  
مرحله بعد انتقال می دهد، تولید و تحقق الگور اسلام ایرانر  
پیشرفت است.

---

بسم الله الرحمن الرحيم

## ۱- الگوی پیشرفت اسلامی، الگوی حفظ جهت گیری انقلاب

### ۱.۱- طرح رسمی مسأله الگوی پیشرفت اسلامی نخستین بار توسط امام خامنه ای علیه السلام در سال ۱۳۸۵ در دانشگاه سمنان

مسأله الگوی پیشرفت اسلامی<sup>۱</sup> به صورت رسمی از سال ۱۳۸۵ در دانشگاه سمنان در سخنان امام خامنه ای علیه السلام مطرح شد. ایشان مقدماتی را مطرح کردند که این مقدمات در سال‌های بعد و در سفرهای استانی ایشان تکمیل شد.

### ۱.۲- مسأله الگوی پیشرفت اسلامی، همان مسأله انقلاب اسلامی اما به تفصیل

در برخورد با مسأله الگوی پیشرفت اسلامی، دو سؤال پیش می‌آید: الگوی پیشرفت اسلامی چیست و به دنبال چه می‌باشد؟ باطن این دو سؤال یکی است اما برای این که یک پاسخ اجمالی و سپس یک پاسخ تفصیلی به آن بدهیم، آن را به دو سؤال تفکیک می‌نماییم.

اما پاسخ اجمالی:

<sup>۱</sup> منظور از الگوی پیشرفت اسلامی همان الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت است.

مسأله الگوی پیشرفت اسلامی همان مسأله انقلاب اسلامی است. سؤال می‌کنیم: انقلاب اسلامی برای چه به وجود آمد؟ هر جوابی که به این سؤال بدهیم، همین جواب را می‌توانیم در مورد مسأله الگوی پیشرفت اسلامی بدهیم. در واقع مسأله الگوی پیشرفت اسلامی، تئوریزه شده و جمع‌بندی فکر انقلاب است؛ اما تفاوتی وجود دارد. تفاوت در اجمال و تفصیل است. مسأله الگوی پیشرفت اسلامی همان مسأله انقلاب اسلامی است البته به تفصیل. در ابتدای انقلاب لزومی نداشت به تفصیل در مورد انقلاب بحث کنیم؛ اما امروز باید تفصیلی در مورد اهداف انقلاب و روش تحقق آن‌ها بحث کنیم. بحث تفصیلی در مورد انقلاب و اهداف آن، بحث از مسأله الگوی پیشرفت اسلامی است.

### ۱.۳- فهم جهت حرکت انقلاب اسلامی، پایه فهم الگوی پیشرفت اسلامی

در پاسخ به سؤال دوم باید گفت که الگوی پیشرفت اسلامی به دنبال حفظ جهت گیری انقلاب است. روح بحث تا پایان این فصل ناظر به همین مطلب است.

این که چرا الگوی پیشرفت اسلامی به دنبال حفظ جهت گیری انقلاب است، ابتدا باید فهم صحیحی از انقلاب و جهت حرکت آن حاصل شود سپس جواب روشن خواهد شد. پایه فهم الگوی پیشرفت اسلامی، فهم انقلاب اسلامی است. اگر انقلاب اسلامی را درست بفهمیم - در حالی که بعضی از جریان‌های موجود در کشور فهم درستی از انقلاب در مبنای کارشان نیست-، جایگاه صحیح مسأله الگوی پیشرفت اسلامی را هم می‌یابیم و درست می‌فهمیم.

### ۱.۳.۱- فهم صحیح جهت حرکت انقلاب، نیازمند فهم مبنای حرکت انقلاب، مراحل تحقق مبنا و موضوع انتقال هر مرحله

حال باید پرسید جهت حرکت انقلاب کدام است که الگوی پیشرفت اسلامی به دنبال حفظ آن می‌باشد؟ در نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی - که در این کتاب می‌خواهیم آن را معرفی کنیم- مفهوم «جهت» در قالب ۳ اصطلاح تبیین شده است. زمانی که کلمه جهت را به کار می‌بریم، این کلمه اسمی است برای ۳ مفهوم یا اصطلاح که به ترتیب عبارتند از:

۱. مبنای حرکت
۲. مراحل حرکت
۳. موضوع انتقال از هر مرحله به مرحله بعد

#### ۱.۳.۱.۱- تبیین مبنای حرکت، ورودی بحث تبیین جهت

ورودی و مدخل فهم جهت، فهم «مبنای حرکت» است. درک مبنای حرکت جمهوری اسلامی، یک سوم از درک جهت حرکت جمهوری اسلامی است.

##### ۱.۳.۱.۱.۱- مبنا به معنای فکر محقق کننده اهداف

مبنای انقلاب غیر از اهداف انقلاب است. هدف انقلاب تحقق اسلام است و اسلام یعنی عدالت، عزت، احیای نهاد خانواده و .... اما مبنا

عبارت است از فکری که محقق‌کننده اهداف است؛ یعنی آن فکری که انقلاب به وسیله آن می‌خواهد اهدافش را محقق کند.

### ۱.۳.۱.۱.۱ - مبنا و هدف، دو مفهوم متمایز

با توجه به مطلب بالا، مبنا و هدف، دو مفهوم متمایز هستند. هدف، آرمان و افق پیش‌رو است و مبنا، آن فکر و ایده‌ای است که هدف را محقق می‌کند.

### ۱.۳.۱.۱.۲ - مبنای حرکت، یک ایده محوری و ثابت در هر شرایط، زمان

#### و مکان

مبنا یک ایده محوری است که در همه زمان‌ها، مکان‌ها و شرایط تغییر نمی‌کند. همه سیاست‌ها و فعالیت‌های کشور با آن ارزیابی می‌شوند و برای کلّ بخش‌ها قابل ترجمه است یعنی هر بخش و ساختار اجتماعی، نسبت و رابطه‌ای - جدا نشدنی - با آن دارد. ممکن است حرکت با این مبنا کند شود اما یک ایده ثابت است و همواره حضور دارد. تغییر مبنای حرکت به این معنا است که آن حرکت از بین رفته و به حرکت دیگری تبدیل شده است.



### ۱.۳.۱.۳- نظام سازی اسلامی برای تحقق شاخص های هویت اسلامی، مبنای حرکت نظام مقدس جمهوری اسلامی

مبنای حرکت جمهوری اسلامی، نظام سازی اسلامی برای تحقق شاخص های هویت اسلامی است. هدف انقلاب اسلامی، تحقق شاخص های هویت اسلامی و نظام سازی اسلامی، مبنا و فکر محقق کننده کامل این اهداف است. این ایده محوری در هر شرایطی که قرار بگیریم تغییر نمی کند. در هر بخش، مکان و ساختاری که قرار بگیریم، باید مبنایمان را با آن بخش یا ساختار ترجمه کنیم.

نوآوری امام خمینی علیه السلام این نبود که قیام کنند و اهداف جدیدی تعریف نمایند بلکه نوآوری ایشان این بود که مطرح کردند اهداف اسلامی، بدون نظام سازی اسلامی محقق نمی شود.<sup>۱</sup> به عنوان مثال یکی

---

<sup>۱</sup> ... بنابراین سابقه فقه سیاسی در شیعه، سابقه عریقی است؛ لیکن یک چیز جدید است و آن، نظام سازی بر اساس این فقه است؛ که این را امام بزرگوار ما انجام داد. قبل از ایشان کس دیگری از این ملتقطات فقهی در ابواب مختلف، یک نظام به وجود نیاورده بود. اول کسی که در مقام نظر و در مقام عمل - توأماً - یک نظام ایجاد کرد، امام بزرگوار ما بود؛ که مردم سالاری دینی را مطرح کرد، مسئله ولایت فقیه را مطرح کرد. بر اساس این مبنا، نظام اسلامی بر سر پا شد. این، اولین تجربه هم است. چنین تجربه ای را ما در تاریخ نداریم؛ نه در دوران صفویه داریم، نه در دوره های دیگر. اگرچه در دوران صفویه کسانی مثل «محقق کرکی»ها وارد میدان بودند، اما از این نظام اسلامی و نظام فقهی در آنجا خبری نیست؛ حداکثر این است که قضاوت به عهده یک ملائی، آن هم در حد محقق کرکی با آن عظمت بوده است؛ ایشان می شود رئیس قضات، تا مثلاً قضات را معین کند؛ بیش از اینها نیست؛ نظام حکومت و نظام سیاسی جامعه بر مبنای فقه نیست. ایجاد نظام، کاری است که امام بزرگوار ما انجام داد. همان طوری که جناب آقای مهدوی در نطقشان اشاره کردند - که من اجمالاً اطلاع پیدا کردم - امام مسئله ولایت فقیه را در نجف استدلالی کردند و بحث کردند؛

از اهداف اسلامی، دفاع از مظلوم است؛ آیا- در دنیای امروز- تنها با تبلیغ- که عده‌ای این روش را تنها راه تحقق احکام اسلام می‌دانند- می‌توان از مظلوم دفاع کامل کرد یا این که باید ساختارهای اجتماعی داشته باشیم؟ اگر ساختارهای تشکیلاتی، امنیتی، نظامی و تبلیغی نداشته باشیم، حتی نمی‌توانیم از خود دفاع کنیم.

انقلاب اسلامی با مبنای نظام‌سازی اسلامی ورود پیدا کرده و فکر اصلی‌اش نظام‌سازی است؛ نظامات آموزشی، نظامات امنیتی، نظامات سیاسی، نظامات فرهنگی و ... و همه این‌ها را باید محقق کند.

#### **۱.۳.۱.۴- متأثر بودن حرکت های اجتماعی کشور از دو مبنای دیگر در کنار مبنای انقلاب اسلامی ایران**

همواره دو مبنا در عرض مبنای جمهوری اسلامی حضور داشته که برای روشن‌تر شدن مبنای جمهوری اسلامی لازم است آن دو را نیز تشریح کنیم. به لحاظ جامعه‌شناسی، حرکت‌های اجتماعی کشور از دو مبنای دیگر هم متأثر بوده‌اند.

---

بعد هم در مقام عمل، این را پیاده کردند و آوردند، شد یک نظام اسلامی. بیانات امام خامنه‌ای عنه‌السلام در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری در تاریخ ۱۳۹۰/۰۶/۱۷

### ۱.۳.۱.۱.۴.۱- جریان روشنفکری با مبنای اصلاح قرائت دینی و با هدف ایجاد فرآیند مدرنیزاسیون، جریانی مؤثر در کشور

با بررسی سال‌های قبل از انقلاب ایران تاکنون، یک مبنا به جریان روشنفکری تعلق دارد. به میزانی که در جامعه ایران حضور پیدا می‌کردند، بنشان ایجاد فرآیند مدرنیزاسیون<sup>۱</sup> در کشور ایران بوده است؛ یعنی ایران را به سمت ارزش‌های مدرن سوق بدهند. اگر کسی بخواهد مبنا و ایده محوری این جریان را تبیین کند به این نتیجه می‌رسد که این‌ها به دنبال آوردن مدرنیته و بومی کردن مدرنیته در ایران بوده‌اند.

این مبنا در عرض مبنای انقلاب اسلامی قرار دارد و سعی می‌کند پتانسیل‌های اجتماعی را برای فرمانبری از محوری دیگر هماهنگ کند. آن‌ها از اساس به دنبال هویت اسلامی نیستند بلکه به دنبال هویت نو و مدرن هستند. اما در یک چیز با ما اشتراک دارند و آن این است که آن‌ها هم به دنبال تحقق هستند. فعالیت یک روشنفکر در ایران مثل هر جای دنیا نیست - که برای تحقق یک شاخص مدرن فقط وظیفه تبیین آن شاخص را داشته باشد؛ چراکه ساختارها برای تحقق آن‌ها

---

<sup>۱</sup> به فرآیند مدرن سازی جامعه، مدرنیزاسیون Modernisation گفته می‌شود. در واقع مدرنیته؛ پروژه، فرآورده و محصول فرآیند و پروسه‌ای به نام مدرنیزاسیون است. در مدرنیزاسیون سعی می‌شود ساحت ذهنی و عینی بشری در حوزه مفاهیم، مفروضات، اهداف و ابزار، دچار تغییری بنیادین شده و از حضور و ظهور آموزه‌ها و گزاره‌های وحیانی پالایش شود.

آمادگی کامل دارند- بلکه به دنبال تغییر در ساختارهای اجتماعی کشور است.

حال اگر روشنفکران بخواهند مدرنیته را اصل قرار دهند، قطعاً شاخص‌های هویت اسلامی با شاخص‌های هویت مدرن تعارض پیدا خواهد کرد و در نتیجه حرف از اصلاح قرائت دینی به میان خواهد آمد و این به معنای حذف تمام احکام اسلامی یا بعضی آن‌ها است.

### ۱.۳.۱.۱.۴.۱.۱- برنامه ریزی بر اساس شاخص‌های WDI مبنای جریان روشنگری

کشورهای توسعه یافته مثل «گروه ۸»<sup>۱</sup> یا در حال توسعه مثل «گروه ۲۰»<sup>۲</sup> و هر کشوری که به سمت توسعه حرکت می‌کند، شاخص‌های جهانی توسعه (WDI)<sup>۳</sup> - که سازمان ملل منتشر می‌کند- مبنای معرف جهت حرکتشان است. اگر از ایشان سؤال شود توسعه‌ای

<sup>۱</sup> جی هشت یا جی ۸ یا گروه هشت از هشت کشور صنعتی جهان تشکیل شده است که ۶۵٪ اقتصاد جهان را در دست دارند. سران کشورهای این گروه هر ساله یک گردهمایی مشترک با هم دارند. کشورهای فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن، بریتانیا، کانادا، روسیه و ایالات متحده آمریکا این گروه را تشکیل می‌دهند.

<sup>۲</sup> گروه ۲۰ (به انگلیسی: G20) یا گروه بیست اقتصاد بزرگ گروهی متشکل از وزرای اقتصاد (دارائی) و مسؤولان بانک‌های مرکزی بیست اقتصاد مطرح دنیا است. گروه ۲۰ متشکل از قدرتمندترین کشورهای جهان است که در مجموع ۸۵ درصد اقتصاد جهان را در اختیار دارند.

<sup>۳</sup> در عنوان ۳.۴.۱ به توضیح شاخص‌های WDI پرداخته شده است.

که شما به دنبال آن هستید چیست، معمولاً شاخص‌های WDI را به عنوان یکی از اسنادشان معرفی می‌کنند.

## ۱۰۳۰۱۰۴۰۲- جریان اسلام سنتی با مبنای استنباط و تبلیغ شاخص‌های هویت اسلامی، جریان مؤثر دیگری در کشور

مبنای دیگری هم در جامعه ایران منشأ آثار بوده و می‌باشد و آن مبنای جریان اسلام سنتی است که فعالیت خود را به استنباط شاخص‌های هویت اسلامی و ابلاغ آن شاخص‌ها محدود کرده است. این جریان تحقق شاخص‌های هویت اسلامی را قبول دارد اما هیچ‌گاه برنامه‌ریزی برای تحقق این شاخص‌ها در دستورکارش نبوده است. فعالیت علمی ایشان، استنباط و فعالیت عینی‌شان در حد ابلاغ است.

در حقیقت این جریان مبنا قرارگرفتن شاخص‌های WDI را در برنامه‌ریزی کشور- به عنوان مثال در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی<sup>۱</sup> کشور یا کمیسیون تلفیق یا هر قسمتی که مشغول تصمیم‌سازی است- قبول کرده است اما فارق از این ساختارهای برنامه‌ریزی، به‌طور

---

<sup>۱</sup> سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی از ادغام دو سازمان به عنوان، سازمان امور اداری و استخدامی کشور و سازمان برنامه و بودجه مطابق مصوبه ۱۶ اسفند ۱۳۷۸ شورای عالی اداری تأسیس و در ۱۷ تیر ۱۳۷۹ نمودار تشکیلاتی آن تصویب و به اجرا در آمد. پس از انحلال این سازمان در سال ۱۳۸۶ به دستور دکتر احمدی نژاد، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی تأسیس و بخشی از وظایف آن را به عهده گرفت.

مستقیم با مردم ارتباط برقرار می‌کند و تنها به تبیین شاخص‌های اجتماعی اسلام می‌پردازد.

مبنای حرکت جمهوری اسلامی و دو مبنای رقیب معلوم شد: یک مبنا می‌گوید من تا ابلاغ بیشتر نمی‌آیم و همین وظیفه را دارم که استنباط و ابلاغ کنم و مبنای دیگر می‌گوید شاخص‌های هویت مدرن اصل است که لزوماً از اصلاح قرائت دینی سخن می‌گوید.

### **۱.۳.۱.۲- مراحل تحقق، اصطلاح دوم در تبیین مفهوم جهت و بحث از مراحل به معنای تدریجی بودن امر تحقق**

در گام دوم از تبیین مفهوم جهت، باید مراحل تحقق را بحث کنیم. شاخص‌های هویت اسلامی در چند مرحله محقق می‌شوند؟ زمانی که می‌خواهید حرفی را محقق کنید، باید از مراحل تحقق هم سخن به میان آورید؛ چراکه تحقق، امری تدریجی است. تحقق، امری را در بشر کن‌فیکون نمی‌کند و باید مقدمات و کارهای فکری لازم انجام گیرد. اگر بپذیریم شاخص‌های هویت اسلامی یکباره محقق نمی‌شوند، حتماً باید از مراحل تحقق سخن بگوییم.

#### **۱.۳.۱.۲.۱- انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و امت اسلامی، مراحل پنج‌گانه تحقق مبنای جمهوری اسلامی**

آیت الله خامنه‌ای رحمته‌الله‌علیه - که به عنوان یک فقیه پرچم‌دار در این مسأله فکر کردند- می‌فرمایند مبنای جمهوری اسلامی (اداره جامعه بر

مبنای دین) در پنج مرحله محقق می‌شود و این پنج مرحله را نیز تبیین کردند.<sup>۱</sup> انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و امت اسلامی (تمدن اسلامی)، این‌ها مراحل پنج‌گانه تحقق مبنای نظام مبارک جمهوری اسلامی است.

### ۱.۰۳.۱.۲.۱.۱- تعریف مرحله اول (انقلاب اسلامی سال ۵۷) به مرحله واگذاری اختیارات حکومتی به معتقدین به مبنای انقلاب

ایشان می‌فرمایند گام اول، گرفتن اختیارات است.<sup>۲</sup> یعنی اگر می‌خواستیم شاخص‌های هویت اسلامی را محقق کنیم، باید اختیارات حکومتی را به دست می‌گرفتیم. ما این مرحله را گذراندیم. انقلاب سیاسی- اسلامی ایران در سال ۵۷، یعنی سلب اختیار از غیرمعتقدین به مبنای جمهوری اسلامی و واگذاری آن به معتقدین به این مبنا.

---

<sup>۱</sup> من یک نکته‌ای را در اینجا عرض بکنم. یک زنجیره منطقی وجود دارد؛ پیش‌ها این را گفتیم، بحث شده. حلقه اول، انقلاب اسلامی است، بعد تشکیل نظام اسلامی است، بعد تشکیل دولت اسلامی است، بعد تشکیل جامعه اسلامی است، بعد تشکیل امت اسلامی است؛ این یک زنجیره مستمری است که به هم مرتبط است. بیانات امام خامنه‌ای عنه‌السلام در دیدار دانشجویان کرمانشاه در تاریخ ۱۳۹۰/۰۷/۲۴

<sup>۲</sup> منظور از انقلاب اسلامی -که حلقه اول است- حرکت انقلابی است؛ و آلا به یک معنا انقلاب شامل همه این مراحل می‌شود. اینجا منظور ما از انقلاب اسلامی، یعنی همان حرکت انقلابی و جنبش انقلابی که نظام مرتجع را، نظام قدیمی را، نظام وابسته و فاسد را سرنگون می‌کند و زمینه را برای ایجاد نظام جدید آماده می‌کند. بیانات امام خامنه‌ای در دیدار دانشجویان کرمانشاه در تاریخ ۱۳۹۰/۰۷/۲۴

مرحله انقلاب اسلامی در واقع از سال ۴۲ تا ۵۷ است. اما یک مقدمات داشته است. جریان انقلاب اسلامی را می‌توان از ۲۰۰ سال پیش رصد کرد؛ زمانی که موج‌های به اصطلاح مدرنیته به جامعه ایمانی و اسلامی ایران حمله کردند. جریان انقلاب اسلامی، جریانی بود که در مقابل این موج‌های مدرنیته قد علم کرد. شروع این جریان از ۲ قرن پیش است مانند حرکت‌های میرزا مسیح<sup>۱</sup> اما نقطه عطف این جریان، عملکرد مرحوم میرزای شیرازی رحمته‌الله بود که با روس‌ها درگیر

---

<sup>۱</sup> میرزا مسیح استرآبادی معروف به میرزا مسیح مجتهد (۱۱۹۴ ق تهران) از علمای بنام قرن سیزدهم است. در رجب ۱۲۴۳ قمری پاسکویچ ژنرال فاتح جنگ‌های دوم ایران و روس خواهر زاده خود الکساندر گریبایدوف را که عضو لژهای فراماسونری بود به عنوان سفیر روسیه به ایران فرستاد. مطابق مفاد عهدنامه ترکمانچای گریبایدوف مأموریت داشت مردان و زنان گرجی را که بعد از دو جنگ ایران و روس اسیر و ساکن ایران شده بودند، در صورت تمایل خودشان به روسیه بازگرداند. مأموران گریبایدوف با این بهانه و بدون اجازه افراد؛ به شناسایی ارمنی‌ها و گرجی‌های مقیم تهران و به‌ویژه زنان برآمدند و آن‌ها را با وجود اینکه به عقد مسلمانان درآمده و دارای چندین فرزند بودند؛ به سفارت روسیه می‌بردند و آنان را مجبور به ترک اسلام می‌کردند. ورود بی‌اجازه مأموران به منازل مردم به بهانه یافتن زنانی که سابقاً در مناطق جدا شده از ایران زندگی می‌کردند؛ خشم مردم را برانگیخت. به دنبال اسارت دو نفر از زنان گرجی مسلمان شده در سفارت روسیه؛ میرزا مسیح مجتهد با ارسال نمایندگانی به سفارت روسیه درصدد بازگشت آن‌ها برآمد. این نمایندگان با برخورد زنده گریبایدوف روبه‌رو شدند. گریبایدوف همچنین ۲۰۰ محافظ در اطراف خانه‌اش مستقر کرد. سرانجام میرزا مسیح مجتهد فتوا داد که نجات زنان مسلمان از چنگال کافران مجاز است. یک روز پس از صدور فتوا، بازار تهران بسته شد و گروهی از مردم به طرف خانه گریبایدوف حرکت کردند. سفارت روسیه محاصره شد و با قتل پسر بچه‌ای ۱۴ ساله توسط محافظان سفارت؛ مردم به درون سفارت ریختند و گریبایدوف را به قتل رساندند.



شدند.<sup>۱</sup> از دیگر نمونه‌های تاریخی معروف می‌توان به مرحوم شیخ فضل‌الله، آیت‌الله کاشانی، مرحوم مدرس و سایر علمای بزرگ رحمتهم‌الله - که چندین هزار نفر هستند- اشاره کرد.

### ۱.۲.۱.۲- معرفی هویت اجتماعی کشور و انقلاب و همچنین تعریف اصول حرکت، تعریفی از مرحله دوم انقلاب (نظام اسلامی)

مرحله دوم، تعریف هویت اجتماعی کشور است که قدرت می‌دهد در ساختارها و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی کشور حضور پیدا کرد. در این مرحله باید اصول حرکت را برای تحقق مبنا تعریف می‌کردیم. باز به نظر آیت‌الله خامنه‌ای حفظه‌الله ما این مرحله را گذراندیم.

---

<sup>۱</sup> سید محمدحسن حسینی شیرازی (۴ اردیبهشت ۱۱۹۴ شیراز، محله درب شاهزاده - ۱۵ بهمن ۱۲۷۳ سامرا) مشهور به میرزای شیرازی و میرزای مجدد، مرجع تقلید شیعه ایرانی (مرجعیت عام شیعیان در سال ۱۲۴۳) و صاحب حکم تحریم تنباکو بود. پس از اعطای امتیاز انحصار توتون و تنباکو به کمپانی رژی در چهار شهر ایران، مردم به پیشتازی چهار نفر از شاگردان میرزای شیرازی دست به اعتراضات گسترده‌ای زدند. حکم تاریخی او در معاهده انحصار تنباکو در زمان ناصرالدین شاه چنان مردم را به صحنه کشاند که شاه قاجار، مجبور به فسخ قرارداد تنباکو گردید. با صدور این حکم، مردم مبارزه سیاسی علیه قرارداد استعماری مذکور را یک وظیفه شرعی دانسته و به مخالفت شدید پرداختند. به‌طوری که ناصرالدین شاه مجبور شد با پرداخت غرامت، این قرارداد ننگین را فسخ کند. سرنجام حکم تاریخی تحریم از سوی میرزای شیرازی از سامرا صادر شد. متن حکم بدین شرح است: «بسم‌الله الرحمن الرحیم الیوم استعمال تنباکو و توتون بایّ نحو کان در حکم محاربه با امام زمان علیه‌السلام است. حرره الاقل محمدحسن الحسینی، امام خمینی رضی‌الله‌تعالی‌عنه از این اقدام این‌گونه تعبیر کرده‌است: «همان نصف سطر میرزای شیرازی رضوان الله تعالی علیه، مملکت ما را از توی حلقوم خارجی‌ها بیرون کشید».

اصول اساسی‌مان را خصوصاً در مقدمهٔ قانون اساسی و در تعیین نوع نظام تثبیت کردیم. زمانی که هدف، تحقق شاخص‌های اسلامی قرار گرفت، حقیقت این بود که مردم می‌خواهند آن‌ها را محقق کنند لذا اصطلاح «جمهوری» را در نوع نظام جای دادیم و این جمهوری یا حضور و مشارکت مردم، یک قید دارد و آن «برای اسلام» است. پس چه در مقدمهٔ قانون اساسی و چه در تعیین نوع نظام، اصول نظام را تعریف کردیم. برخی از کشورهای منطقهٔ خاورمیانه که انقلاب کردند، هنوز در این مرحله هستند و از اصول حرکتشان تعریف ارائه نداده‌اند اما ما از این مرحله عبور کردیم. این مرحله در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ با رأی غالب مردم به جمهوری اسلامی ایران تثبیت شد.

### ۱.۲.۱.۲.۱-۱.۳- عدم مصادرهٔ هویت انقلاب با تعبیراتی چون جمهوری دموکراتیک، نتیجه تعریف بلافصل هویت کشور

امام وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا سَلْبًا تأکید داشتند که جمهوری اسلامی، نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد<sup>۱</sup> و با این بیان و عملکرد ایشان در حقیقت هویت انقلاب اسلامی با تعبیراتی چون جمهوری دموکراتیک<sup>۲</sup>، مصادره نشد.

---

<sup>۱</sup> من رأی به جمهوری اسلامی می‌دهم و از شما تقاضا دارم که رأی به جمهوری اسلامی بدهید نه یک کلمه کم، نه یک کلمه زیاد، جمهوری اسلامی. صحیفهٔ نور جلد ۵ صفحه ۱۸۱

<sup>۲</sup> تعریف دموکراسی: دموکراسی (Democracy) در لغت یعنی حکومت به وسیلهٔ مردم. این اصطلاح همچون بسیاری از مفاهیم، در علوم اجتماعی، تعریفی جامع و مانع ندارد و تعاریف زیاد و معانی متفاوتی از آن اراده شده است اما مقصود ما در اینجا، مردم سالاری غیر دینی است.

## ۱.۳.۱.۲.۲- تلاش بر معرفی غیرحقیقی حرکت مردم در انقلاب‌های منطقه و حاکم کردن این تعاریف بر قانون اساسی، از جمله معضله‌های بیداری اسلامی

امروز یکی از مسائل و معضله‌های بیداری اسلامی و انقلاب‌های منطقه خاورمیانه این است که عده‌ای می‌خواهند حرکت مردم را طور دیگری تعریف کنند و به دنبال این هستند که تعاریف دیگری را بر قانون‌های اساسی برخاسته از این انقلاب‌ها حاکم کنند.

## ۱.۳.۱.۲.۱.۳- تعریف مرحله فعلی کشور یعنی دولت اسلامی به مرحله توانمندسازی ساختارها برای تحقق شاخص‌های هویت اسلامی

مرحله سوم، دستیابی به دولت اسلامی است. دولت اسلامی به معنای توانمندسازی ساختارها برای تحقق شاخص‌های هویت اسلامی است. ساختارهای کشور باید توان برنامه‌ریزی برای تحقق شاخص‌های هویت اسلامی را داشته باشند.

در حال حاضر ساختارهای کشور برای برنامه‌ریزی در جهت تحقق شاخص‌های هویت مدرن توانمند هستند. به عنوان مثال کارشناسی از مرکز آمار ایران (به عنوان یکی از ساختارهای کشور) می‌فرمود ما توانایی محاسبه ارزش افزوده<sup>۱</sup> را داریم اما اگر از ما بخواهند میزان

---

<sup>۱</sup> ارزش افزوده به زبان ساده یعنی مابه‌التفاوت ستانده و داده و در عمل یعنی، فروش منهای خرید.

ارتقای عدالت (به عنوان یکی از شاخص‌های اسلامی) را محاسبه کنیم، این امکان و توانایی را نداریم.<sup>۱</sup>

عدالت تعریف نشده است لذا زمانی که برای محاسبه و تحقق عدالت به آن‌ها رجوع می‌کنیم، ضریب‌جینی<sup>۲</sup> را مبنای محاسبه قرار می‌دهند و از معادله‌ای ضدّ عدالت برای محاسبه عدالت استفاده می‌کنند. استفاده از ضریب‌جینی یعنی فاصله بین دهک‌ها<sup>۳</sup> را معیار قرار دادن. با این معیار جامعه به ۱۰ دهک اقتصادی تقسیم می‌شود و این یعنی ایجاد فاصله طبقاتی در جامعه. دلیل چنین وضعی این است که توان برنامه‌ریزی برای شاخص‌های هویت اسلامی را در ساختارهای نظام ایجاد نکرده‌ایم و تا زمانی که این توان را ایجاد نکنیم، به گام چهارم انقلاب که همان جامعه اسلامی است منتقل نمی‌شویم.

اگر بتوانیم نهادهای اداره‌کننده جامعه را توانمند کنیم تا از سیطره ادبیات توسعه خارج و به فکر برنامه‌ریزی بر اساس شاخص‌های اجتماعی اسلام بیفتند، این مرحله مهم را خواهیم گذراند. تمامی

<sup>۱</sup> نه این که نمی‌خواهند بلکه این توانایی را ندارند. در برنامه ریزی، اصل شاخص‌های هویت اسلامی پذیرفته شده است یعنی کارشناسانی که در وزارتخانه‌ها هستند، قطعی است که با عدالت مشکلی ندارند اما چون عدالت تعریف نشده است و به تبع روش محاسبه‌اش موجود نمی‌باشد، ساختارهای ما برای تحقق شاخص‌های هویت اسلامی توانمند نیستند.

<sup>۲</sup> شاخص جینی یا ضریب جینی، شاخصی اقتصادی برای محاسبه توزیع ثروت در میان مردم است. بالا بودن این ضریب در یک کشور معمولاً به عنوان شاخصی از بالا بودن اختلاف طبقاتی و نابرابری درآمدی در این کشور در نظر گرفته می‌شود.

<sup>۳</sup> دهک: در آمار توصیفی، دهک‌ها مقادیری هستند که تابع توزیع تجمعی داده را به ۱۰ قسمت مساوی تقسیم می‌کنند. دهک‌ها نوع چندک هستند.

برنامه‌های کشور باید نسبت خود را با مرحله فعلی انقلاب (مرحله توانمندسازی ساختارها در جهت تحقق شاخص‌های هویت اسلامی) مشخص کنند. حتی به نظر ما کارنامه‌خوانی‌هایی<sup>۱</sup> که نیروهای انقلاب از کاندیداهای ریاست جمهوری انجام می‌دهند باید در این راستا باشد، یعنی نامزدها باید پاسخ‌گو باشند که چه برنامه‌ای برای توانمندشدن ساختارهای جمهوری اسلامی دارند. در واقع بخشی از سرفصل‌های برنامه‌های کاندیداهای ریاست جمهوری باید به ایجاد تغییرات ساختاری متناسب با مبنای جمهوری اسلامی اختصاص پیدا کند و همه این‌ها قابل مطالبه است. این که یک کاندیدا حکم حکومتی اما فقیه را قبول داشته باشد، اصلاً معیار خوبی برای تشخیص اصلح نیست. حتماً باید حکم حکومتی را قبول داشته باشند اما فراتر از آن، باید درک خود را از چگونگی ایجاد دولت اسلامی ارائه دهند. در همه عرصه‌ها باید چنین رویکردی وجود داشته و ناظر به این مرحله از انقلاب باشد.<sup>۲</sup>

---

<sup>۱</sup> کارنامه خوانی اصطلاحی است برای فرآیند سنجش کاندیداهای دوره انتخابات مجلس و ریاست جمهوری و... که به چه میزان در صدد پیشبرد حرکت اصیل انقلاب اسلامی در منصب سیاسی خود هستند. کارنامه خوانی یکی از ۸۱ موضوع موجود در نقشه راه می باشد.

<sup>۲</sup> ممکن است اشکال شود که در مرحله اول انقلاب نیز توانمندسازی ساختارها وجود داشته است مانند ایجاد بسیج و یا جهاد سازندگی لذا نمی‌توان مرحله سوم انقلاب را با عنوان توانمندسازی تعریف کرد که در جواب این اشکال باید گفت: در مرحله دولت اسلامی، توانمندسازی ساختارها، همه جانبه است اما در مرحله اول توانمندسازی، بخشی و آن هم فقط برای استقرار نظام بوده است. نه این که صحبت از ساختارسازی نبود؛ اجمالاً همه می‌دانستند که ساختارها باید تغییر کنند اما چون نظام هنوز تثبیت نشده بود و درگیر یک



## ۱.۳.۱.۲.۱.۳.۱- حفظ هویت خانواده، نخستین ضرورت ساختارها و زیرساخت الگوی پیشرفت اسلامی

نخستین ضرورت ساختارها این است که هویت خانواده را در برنامه‌ریزی حفظ کنند. علت این امر آن است که ما به دنبال تشکیل یک جامعه اسلامی هستیم که خانواده‌ها، سلول‌های تشکیل دهنده این جامعه هستند و تا خانواده‌ها اسلامی نشوند، نمی‌توان آن جامعه را اسلامی خواند.

اما سؤال این است که نسبت خانواده و سبک زندگی اسلامی<sup>۱</sup> با مسأله الگوی پیشرفت چیست. نسبت آن با ساختارهای اداره‌کننده جامعه چیست. این که انسان‌ها در جامعه چگونه زندگی می‌کنند، حتماً ارتباطی تنگاتنگ با نحوه اداره جامعه دارد. نمی‌توان از یک طرف مردم را به سبک زندگی اسلامی دعوت کرد و از طرف دیگر ساختارهای اداره‌کننده جامعه فرصت زندگی به سبک اسلامی را به افراد ندهند. به عنوان مثال تا زمانی که دیدگاه‌های نظام سرمایه‌داری<sup>۲</sup> در کشور ما

جنگ جهانی قرار گرفته بود - که همه دنیا به ما هجمه کرده بودند - همه توان فقط برای حفظ نظام بود و فضایی برای فکر کردن برای ترمیم ساختارها فراهم نبود.

<sup>۱</sup> اصل قضیه تمدن‌سازی نوین اسلامی، درست کردن سبک زندگی است، رفتار اجتماعی است، اخلاق عمومی است، فرهنگ زندگی است... در آداب زندگی اسلامی، همه آنچه را که مورد نیاز ما است، می‌توانیم پیدا کنیم. بیانات امام خامنه‌ای عنه‌السلام در دیدار جوانان استان خراسان شمالی در تاریخ ۱۳۹۱/۰۷/۲۳

<sup>۲</sup> کاپیتالیسم (به انگلیسی: Capitalism) یا سرمایه‌داری، سرمایه‌محوری یک نظام اقتصادی است که در آن پایه‌های یک سیستم اقتصادی بر مالکیت خصوصی ابزارهای تولید



وجود دارد، عدالت از جامعه ما دور می‌شود. دیدگاه‌هایی که کارشناسان توسعه ارائه می‌دهند و الآن بعضی از این دیدگاه‌ها مبنای عمل قرار می‌گیرند، یا اصلاً به سمت عدالت نیستند و یا دور از عدالت هستند.

زمانی که خانواده در تأمین معاش دچار مشکل باشد، پدر و مادر این خانواده مشغول به کار بیرون از منزل می‌شوند. زمانی که هر دو مشغول شدند، مجبور خواهند شد فرزند خود را به مهدکودک بسپارند و این اشکال اول را به سبک زندگی اسلامی وارد خواهد کرد. در سبک زندگی اسلامی فرزند باید با محبت مادر تربیت شود و رشد پیدا کند اما ساختارهای اداره‌کننده جامعه زمینه را برای چنین تربیت صحیحی فراهم نمی‌کنند. این اعتقاد ما است که زندگی به سبک اسلامی، زندگی راحتی است؛ یک زندگی که هم خیر دنیا و هم خیر آخرت را همراه دارد اما اگر انسان فرصت در کنار خانواده بودن را نداشته باشد، احتمالاً آن زندگی برای همه مردم دنیا، زندگی ناگواری خواهد بود.

در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت هدف ما این است که شرایط و شیوه‌ای را برای اداره جامعه پیشنهاد دهیم که نتیجه آن، ایجاد و تحقق سبک زندگی اسلامی شود. اما اگر سبک زندگی اسلامی را برای مردم تشریح (تبلیغ) کنیم اما مردم نتوانند به دلیل شیوه مدیریت

اقتصادی است و در دست مالکان خصوصی است و از این برای ایجاد بهره‌مندی اقتصادی در بازارهایی رقابتی استفاده می‌شود که به این نظام، آزادی مالکیت شخصی نیز گفته می‌شود که معنای آن، تولید و توزیع کالاها است.

جامعه به این سبک زندگی روی بیاورند، قطعاً این سبک زندگی محقق نخواهد شد.

همان‌طور که بیان شد ساختارهای فعلی کشور بر اساس شاخص‌های هویت مدرن اداره می‌شوند و به عبارت واضح‌تر بر اساس الگوهای توسعه غربی اداره می‌شوند. نگاه توسعه غربی به انسان، یک نگاه تک بُعدی است و با چنین نگاهی، سبک زندگی اسلامی محقق نخواهد شد. بیش‌ترین چیزی که این نگاه به آن پایبند است این است که مثلاً قصد ایجاد اشتغال دارد تا افراد برای امرار معاش درآمد کافی داشته باشند که البته این حرف نیز در حد یک نظریه است و آمارهای جهانی ناقض این نظریه هستند؛ اما اگر این نظریه روی کاغذ هم درست باشد، مسأله اشتغال یک بخش از زندگی انسان است؛ یعنی اگر کسی شغل داشته باشد اما خانواده او به سبک اروپایی باشد، دچار فروپاشی خواهد شد و باز هم آسایش نخواهد داشت. پس الگوی توسعه غربی قطعاً منجر به سبک زندگی اسلامی نخواهد شد. در مورد سبک زندگی اسلامی هم می‌توان به طور قطع و یقین گفت بدون توجه به تغییر سازوکارهای اداره جامعه - که ما معتقد هستیم اداره جامعه باید مبتنی بر الگوی پیشرفت اسلامی باشد - امکان زندگی با سبک اسلامی به صورت فراگیر وجود ندارد. ممکن است افرادی در جامعه پیدا شوند که خلاف موج عمومی جامعه حرکت کنند و زندگی خود را با آیات و روایات تطبیق دهند اما عامه مردم گرفتار این ساختارها خواهند بود.



## ۱.۱.۳.۱.۲.۱.۳-۱ ناتوانی سیستم آموزش و پرورش در احیای نهاد خانواده و ضرورت اصلاح این ساختار

به عنوان مثال سیستم آموزش و پرورش ما به دانش‌آموزان شیوه صحیح زندگی مشترک و همچنین چگونگی برخورد با مشکلات آن را آموزش نمی‌دهد و زمانی که افراد پس از تحصیلات، زندگی مشترک را آغاز کنند و بعد از مدتی دچار اختلاف شوند، نخواهند توانست این مشکلات را حل کنند، لذا حتماً باید تحوّل بنیادین اتفاق بیفتد تا سبک زندگی، اسلامی شود. آموزش پرورش باید بتواند همسر تربیت کند و این مسأله باید در این ساختار لحاظ شود و از تحوّل بنیادین آن جدا نشدنی است. هرچند طرحی به اسم تحوّل بنیادین آموزش پرورش ارائه داده شده است اما در این طرح تحوّل معلوم نیست که محتوای آموزشی به چه میزان در جهت تربیت همسران آینده است. ما از توانمندسازی ساختارها سخن می‌گوییم و آموزش و پرورش ما یکی از این ساختارها است و این ساختار برای تربیت انسان‌هایی که بتوانند خانواده را متکفل شوند باید توانمند باشد.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> یک نکته در مورد آموزش و پرورش و مدیریت‌ها، مسأله سند تحوّل است. سند تحوّل - که بحمدالله در این سال‌های اخیر تنظیم و تثبیت شد - یک چیزِ دفعی‌الوجود نبود؛ این از اوایل انقلاب، جزء آرزوها بود. چون نظام آموزش و پرورش در کشور ما، از تقلید از نظام‌های آموزش و پرورش غربی پدید آمده بود، با همان شکل، با همان محتوا، تقریباً با همان ترتیب؛ یک تحوّل اساسی لازم بود در فضای آموزش و پرورش؛ چه از لحاظ قالب، چه از لحاظ محتوا. خب، این فکر در خیلی‌ها بود در طول سال‌ها؛ به تدریج پخته شد، به سند تحوّل انجامید. عرض نمی‌کنیم که این سند تحوّل حدّ اعلای خواسته‌ها است؛ نه، برای هر چیزی



## ۱.۳.۱.۲.۱.۳.۱.۲ - الگوی مصرف فعلی، عامل تضعیف خانواده و ضرورت اصلاح آن

بحثی دیگر از ساختارها، الگوی مصرف در جامعه است. معضل دیگری که اجمالاً به آن اشاره شد این است که پدر و مادر به دلیل این که می‌خواهند در نُرْم مصرف امروز زندگی کنند - و اگر زندگی نکنند از پسند اجتماعی خارج می‌شوند- مجبور هستند هر دو کار کنند تا هزینه‌های این الگوی مصرف را تأمین کنند. با این روند، پدر و مادری باقی نمی‌ماند و هر دو به نان‌آور خانه تبدیل می‌شوند.

اصلاح الگوی مصرف، به معنای رعایت استانداردها نیست بلکه به این معنا است که رفاه مادی باید در یک حدّی متوقف شود و اگر این کار صورت نگیرد، خانواده از بین می‌رود. معنای رفاه، ضدّ خانواده است؛ معنای لفظی منظور نیست بلکه منظور، مدگرایی افسار گسیخته است. رفاه بدون آسایش معنایی ندارد و آسایش همان احکام خانواده است. سطح رفاه باید کنترل شود و جامعه اسلامی باید به دنبال یک سطحی از رفاه باشد تا هر یک از پدر و مادر فرصت و حوصله داشته باشند تا نقش واقعی خود را در خانواده ایفا کنند.

یک حدّ بالاتری هم متصوّر است - ممکن است إن شاء الله شما عمل کنید، پیش بروید، تجربه بیاموزید، بعد از گذشت زمانی چیزی بر آنچه امروز موجودی شما است بیفزاید - لکن فعلاً این سند تحوّل در اختیار ما است؛ این را باید جدّی گرفت. بیانات امام خامنه‌ای در دیدار معلمان و فرهنگیان سراسر کشور در تاریخ ۱۳۹۳/۰۲/۱۷

#### **۱.۳.۱.۲.۱.۴- مرحله چهارم با عنوان جامعه اسلامی به معنای مرحله توانمندی ساختارهای کشور برای تحقق شاخص های هویت اسلامی**

إن شاء الله روزی - که اگر همّت کنیم بزودی اتفاق می افتد و اگر همّت نکنیم به تأخیر می افتد - نهادها توانمند می شوند و شاخص های اجتماعی اسلام موضوع مدیریت و اداره جامعه قرار می گیرند و محقق می شوند که به آن مرحله، جامعه اسلامی اطلاق می شود. در واقع جامعه اسلامی روزی است که ساختارها برای برنامه ریزی در جهت تحقق شاخص های اسلام توانمند شده اند و آن شاخص ها عینیت پیدا می کنند.

#### **۱.۳.۱.۲.۱.۵- تعریف مرحله امت اسلامی به مرحله انتشار الگوی اداره جامعه اسلامی به سایر نقاط جهان**

مرحله پنجم، انتشار این الگوی بر اساس اسلام - که در گوشه ایی از عالم به وجود آمده است- به دیگر نقاط دنیا است. بسیاری دیگر از کشورهای دنیا مشتاق و شیفته این نوع حکومت خواهند شد و آن را در کشورهای خود پیاده و اجرا خواهند کرد.

#### **۱.۳.۱.۲.۱.۶- دخیل بودن مبنا در تفسیر مراحل، عامل تفسیر صحیح مراحل پنجگانه**

علت این که مراحل به درستی و دقت تفسیر می‌شوند این است که مبنای حرکت جمهوری اسلامی در تفسیر مراحل دخیل است. اگر به مبنا توجه شود، مراحل درست تشریح می‌شوند.

## ۱.۳.۱.۲.۱.۳.۲- تحقق توانمندسازی ساختارهای جمهوری اسلامی (تحقق مرحله دولت اسلامی) در سه مرحله با سه قانون اساسی؛ قانون اساسی فعلی، قانون اساسی الگوی پیشرفت اسلامی و قانون اساسی انقلاب فرهنگی

تحقق توانمندسازی ساختارهای جمهوری اسلامی و به عبارتی تحقق مرحله دولت اسلامی را در سه مرحله تعریف می‌کنیم:

- یک مرحله از دولت اسلامی، مرحله پیدایش است که با **قانون اساسی مصوب ۵۸ و تغییرات سال ۶۸** انجام شد.
- مرحله بعد، ایجاد تغییرات ساختاری برای توانمندسازی ساختارهای اداره کننده جامعه در جهت تحقق شاخص‌های هویت اسلامی است. نام قانون اساسی این مرحله را **قانون اساسی الگوی پیشرفت اسلامی** می‌گذاریم.
- یک مرحله هم قانون اساسی بعد از الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت است که از آن به **قانون اساسی انقلاب فرهنگی**<sup>۱</sup> تعبیر می‌کنیم.

<sup>۱</sup> بعد از اینکه تحول در حوزه و دانشگاه آغاز شود، باید روابط ساختاری متناسب با آن تحول را تئوریزه کنیم و از آن یک اصول حقوقی بیرون آوریم.

پس ۳ قانون اساسی شد<sup>۱</sup>:

- یک قانون اساسی مصوب ۵۸ با تغییرات ۶۸ که توانش برای تحقق شاخص‌های هویت اسلامی همین قدر است یعنی روابط ساختاری‌ای که تعریف شده است، همین قدر اسلام را محقق می‌کند.
- با پیشنهاد یک سری تغییرات برای توانمندسازی ساختارها، قانون جدیدی خواهیم داشت به نام قانون اساسی الگوی پیشرفت اسلامی.
- یک قانون اساسی خواهیم داشت با عنوان قانون اساسی انقلاب فرهنگی.

باید فرهنگ را در اصلاح قانون اساسی درست کنیم. بعد از حکومت پهلوی و ایجاد جمهوری اسلامی، برای این که بتوانیم اسلام را در جامعه حاکم کنیم، نیاز به اصلاح و ایجاد روابط ساختاری داشتیم که در نتیجه در سال ۵۸ یک قانون اساسی تدوین و تصویب کردیم. در سال ۶۸ نیز به این نتیجه رسیدیم که این قانون اساسی برای اجرای اسلام مشکلاتی دارد و لذا تغییراتی داده شد. حال برای ادامه راه باید روابط ساختاری دیگری را تدوین کنیم.

---

<sup>۱</sup> قانون اساسی، تبیین روابط ساختارها است.

### ۱.۳.۱.۳- «موضوع انتقال»، رکن سوم از ارکان مفهوم جهت

در تبیین جهت حرکت انقلاب اسلامی، آخرین رکن و اصطلاحی که باید تشریح شود، موضوع انتقال از هر مرحله به مرحله بعد است.

#### ۱.۳.۱.۳.۱- تعریف مفهومی و ساده «موضوع انتقال» به موضوع برطرف کننده مانع پیشی رو در هر مرحله

در هر مرحله از انقلاب، با یک مانع خاص و بزرگ روبه‌رو هستیم که مجموعه برنامه‌ریزی‌های کشور در آن مرحله باید معطوف به حذف آن مانع باشد؛ بر روی موضوعی باید تمرکز کرد که آن موضوع، عامل حذف مانع در آن مرحله باشد. به موضوع برطرف‌کننده مانع اصلی در هر مرحله، موضوع انتقال آن مرحله گفته می‌شود.

موضوعات انتقال به بیان ساده یعنی اولویت‌های هر مرحله که اگر رعایت نشوند، از یک مرحله به مرحله بعد انتقال صورت نمی‌گیرد. وجه تسمیه به موضوعات انتقال یا موضوع انتقال نیز همین مسأله انتقال است.

موضوع انتقال همیشه و در هر مرحله به مرحله بعد یکی است. یعنی یک اولویت اصلی است که اگر رعایت شود، انتقال به مرحله بعد صورت می‌گیرد و اگر رعایت نشود در انتقال به مرحله بعد دچار توقف و عقبگرد می‌شویم. بنابراین موضوع انتقال گرچه رکن سوم جهت است، اما مهم‌ترین بخش جهت است چراکه مدیریت فرآیند انتقال به آن بستگی دارد.

البته با توجه به بحث‌های گذشته واضح است که ملاک تشخیص مانع در انقلاب، «مبنای انقلاب اسلامی» می‌باشد.

### **۱.۳.۱.۳.۲- تشخیص صحیح و به موقع موضوع انتقال، عامل انتقال به مرحله بعد**

با برنامه‌ریزی بر روی موضوع انتقال هر مرحله می‌توانیم به مرحله بعد انتقال پیدا کنیم. از تعریف موضوع انتقال این چنین برمی‌آید که علت اصلی انتقال، تشخیص صحیح و به‌موقع موضوع انتقال است.

### **۱.۳.۱.۳.۲.۱- عدم شناخت موضوع انتقال، عامل بسیج کردن جامعه بر موضوعی غیر ضروری**

اگر کسی موضوع انتقال را نفهمد و توجه نکند، حتی اگر مبنا و مراحل را تشخیص دهد اما نمی‌تواند در فرآیند انتقال نقش ایفا کند و گاهی اوقات به اسم تحقق اسلام، مانع تحقق اسلام می‌شود.

اگر در تشخیص موضوع انتقال اشتباه کنیم و در آن بخشی که ظرفیت داریم متمرکز نشویم، در برنامه‌ریزی اجتماعی ضرر می‌کنیم. اگر در موضوعی که ظرفیت آن را نداریم متمرکز شویم نه تنها آن موضوع محقق نمی‌شود، مهم‌تر آن که فرصت را برای تحقق همان بخشی که هنوز ظرفیتش را داریم از دست می‌دهیم. مثلاً در مرحله انقلاب اسلامی هستیم؛ باید ببینیم تا مرحله نظام اسلامی چقدر از مبنا را می‌توانیم محقق کنیم، همان قدر را باید شناسایی کرده و موضوع

اصلی را محقق کردن همان بخش قرار دهیم؛ چراکه همان بخش را می‌توانیم محقق کنیم و ظرفیت انسانی ما در همان حدّ توجیه است و برای همان مقدار قدرت دارد.

فرازی در فرمایش‌های آیت‌الله خامنه‌ای رحمته‌الله وجود دارد که این بحث را تبیین می‌کند. ایشان می‌فرمایند مردم ایران مؤمن هستند اما مؤمن به اسلامی که می‌شناسند؛ یعنی روحانیت ما و مجموعه جامعه شیعه ما هنوز موفق نشده‌اند که هم در مرحله استنباط و هم در مرحله معرفی، اسلام را همان‌طور که هست بشناسند و معرفی کنند اما مردم به همان قدری که معرفی شده است مؤمن و پایبند هستند. در بحث از موضوع انتقال، حرفی شبیه فرمایش امام خامنه‌ای رحمته‌الله مطرح است. مثلاً زمانی که در مرحله انقلاب اسلامی بودیم فقط امکان استقرار حکومت اسلامی وجود داشت و نمی‌شد دیگر شاخص‌های اسلامی را همان روز محقق کرد. تشکیل حکومت اسلامی بخشی از هویت اسلامی است و در آن دوران تنها ظرفیت تشکیل حکومت را داشتیم.

اگر این محاسبه را اشتباه انجام دهیم و اضافه بر ظرفیت، تقاضای تحقق مبنا کنیم، هم فرصت آن مقدار قابل تحقق از بین می‌رود و هم جامعه دچار حالت شعارزدگی می‌شود و به این نتیجه می‌رسد که حرکتی صورت گرفت اما به سرانجام نرسید. با این حال مردم دچار حالت ناامیدی می‌شوند چراکه به آن‌ها گفته‌ایم بیاید در صحنه و فلان مسأله را محقق کنیم اما چون ظرفیت و زمینه فراهم نبود، محقق نشد و این باعث می‌شود که آن‌ها نسبت به اصل مبنا دچار تزلزل شوند.



بر این اساس، تشخیص موضوع انتقال علت انتقال است اما متأسفانه جمعی از نیروهای انقلاب در تشخیص موضوع انتقال دچار مشکل هستند و به همان میزان که مشکل دارند، انتقال به مرحله بعد هم دچار مشکل می‌شود.

### **۱.۳.۱.۳.۲.۲- خطر انتقال به مراحل قبل، نتیجه عدم تمرکز بر موضوع انتقال هر مرحله**

اگر در هر مرحله، موضوع انتقال در نظر گرفته نشود، نه تنها به مرحله بعد انتقال صورت نمی‌گیرد، بلکه زمینه برای برگشت به مرحله قبل محیا می‌شود. در فتنه سال ۱۳۸۸ که به موضوع انتقال مرحله اول یعنی ولایت فقیه حمله شد، به این دلیل بود که بر موضوع انتقال خود تمرکز نداشتیم. آن‌ها می‌خواستند موضوع انتقال مرحله اول را از بین ببرند و حتی قانون اساسی پیشنهاد دادند و می‌خواستند تعریف حکومت را عوض کنند.

### **۱.۳.۱.۳.۱.۱- تمایل به الگوهای غیر اسلامی، مانع مرحله اول انقلاب و تمرکز امام راحل علیه السلام بر تئوری ولایت فقیه، موضوع انتقال از این مرحله به مرحله نظام اسلامی**

مانع انتقال و موضوع انتقال از مرحله انقلاب اسلامی به مرحله نظام اسلامی چه بوده است؟ در بسیاری از انقلاب‌ها اختیار به دست انقلابی‌ها افتاد، اما چون الگوی جایگزین نداشتند، کم‌کم به دنبال الگوهای موسوم دنیا رفتند.

مانع این مرحله از انقلاب، عدم تبیین الگوی جایگزین رژیم شاه بود. کشورهای منطقه مثل مصر، زمانی که انقلاب کردند و طاغوت‌ها را کنار زدند، خودشان و ما دغدغه داریم که انقلابشان مصادره نشود؛ ما نیز همین دغدغه را در اوایل انقلاب داشتیم. عده‌ای جمهوری دموکراتیک، جمهوری خالی یا هر عنوان دیگری را به عنوان نظام جایگزین بیان می‌کردند اما امام راحل علیه السلام به اولیتی توجه کردند که ثمره انقلاب ما جمهوری دموکراتیک نشد.

اولیتی که امام خمینی علیه السلام همیشه رعایت کردند، تبیین حکم «اسلام حکومت دارد» بود. ایشان از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ بر این موضوع متمرکز بودند و در سال ۱۳۴۸ در عراق درس خارج ولایت فقیه راه انداختند. زمانی که نخست‌وزیر وقت<sup>۱</sup> به امام پیشنهاد داد که در انتخابات شرکت کنند، ایشان در پاریس فرمودند: اسلام خودش حکومت دارد. اگر امام غیر از این مسأله را اصل قرار می‌دادند، انتقال به مرحله بعد واقع نمی‌شد.

مردم بحث حکومت اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه را اجمالاً درک و قبول کردند. درکی از جمهوری اسلامی پیدا کردند؛ محور جمهوری اسلامی را اسلام می‌دانستند و به سمت تعاریف التقاطی دیگر نرفتند. علت انتقال از مرحله انقلاب اسلامی به مرحله نظام اسلامی، وجود این درک بود و تئوری ولایت فقیه ما را به مرحله نظام اسلامی انتقال داد. اگر غیر از این بود از مرحله انقلاب اسلامی به مرحله نظام دموکراتیک

<sup>۱</sup> صحیفه نور، جلد یک، صفحه ۱۱۹

یا نظام التقاطی دیگری انتقال پیدا می‌کردیم. بنابراین اولویت‌بندی‌های امام خمینی رضی الله عنه در آن مرحله ناظر به تبیین و تثبیت مسأله ولایت فقیه بود.

### ۱.۳.۱.۳-۱. عدم توانمندی داخلی کشور برای استقرار نظام، مانع مرحله دوم انقلاب و تمرکز بر مسأله دفاع مقدس، موضوع انتقال از مرحله دوم به مرحله دولت اسلامی

موضوع انتقال از مرحله نظام اسلامی به مرحله دولت اسلامی چیست و امام راحل رضی الله عنه بر چه موضوعی ایستادند تا این انقلاب منتقل شد؟

زمانی که نظام اسلامی تشکیل شد به دلیل نوپایی، کادر کارآمدی نداشت و فهم افراد انقلاب هم به قدری بود که فقط می‌شد به وسیله آن نظام را سر پا نگه داشت. در بیرون از کشور هم اصلاً درکی از نظام اسلامی وجود نداشت؛ مثلاً زمانی که می‌خواستند توضیح دهند که حکومتی در جلوی آمریکا قرار گرفته است، برای آن حکومت از اصطلاح «ضد امپریالیسم»<sup>۱</sup> استفاده می‌کردند و حتی در درون هم

<sup>۱</sup> اصطلاح امپریالیسم (به فرانسوی: Impérialisme) خود از واژه قدیمی‌تر empire (امپراتوری) آمده است. از واژه امپریالیسم تعاریف گوناگونی به دست داده شده است که به دو مورد آن اشاره می‌کنیم:

- امپریالیسم به نظامی گفته می‌شود که به دلیل مقاصد اقتصادی و یا سیاسی می‌خواهد از مرزهای ملی و قومی خود تجاوز کند و سرزمین‌ها و ملت‌ها و اقوام دیگر را زیر سلطه خود درآورد.



روشنفکران می‌گفتند ما ضد امپریالیسم هستیم. پس در آن موقع از یک سو نظام مفاهیم نداشتیم و از سوی دیگر فاقد کادری کارآمد بودیم که حداقل مسؤولیت‌های اساسی را به عهده بگیرند.

امام عظیم‌الشان بازهم موضوعی را رعایت کردند و در اولویت قرار دادند که باعث انتقال از مرحله نظام اسلامی به مرحله دولت اسلامی شد. در ادبیات ایشان یک عبارت «جنگ در رأس امور است» وجود دارد.<sup>۱</sup> درباره پدیده دفاع مقدس بیانات فراوانی دارند؛ مثلاً می‌فرمایند این جنگ بود که اسلام را صادر کرد، جنگ بود که به ما توانمندی داد<sup>۲</sup> و ... .

تشریح امام راحل از مسأله جنگ باعث شد که ما خودباوری و ظرفیت اداره کردن کشور را به دست بیاوریم. اگر جنگ اتفاق نمی‌افتاد این روحیه به وجود نمی‌آمد و اصلاً امکان ورود به مرحله دولت اسلامی وجود نداشت. اگر مسأله جنگ نبود، توان برنامه‌ریزی اولیه برای دولت اسلامی وجود نداشت. جنگ برای کشور استقلال درست کرد؛ آن شرایط سخت جنگ، تحریم‌هایی که به وجود آمد، جمعیت‌هایی که

• سیاستی که مرام وی بسط نفوذ و قدرت کشور خویش بر کشورهای دیگر است.

<sup>۱</sup> صحیفه نور، جلد ۱۷، صفحه ۲۰۲

<sup>۲</sup> در پایان قریب هشت سال دفاع مقدسی که منتهی به استقلال و تمامیت ارضی کشور و شکست طرح‌های توسعه طلبانه دشمنان انقلاب اسلامی‌مان گردید، نمی‌دانم با چه بیانی احساسات و علاقه خویش را به شما سربازان گمنام و سرداران دلاوری که طوفان خشم این امت حزب الله از سینۀ صحنۀ کارزار شما جوشیده است، بیان نمایم. پیام امام خمینی خطاب به فرماندهان و مسئولین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شرکت کننده در مجمع بزرگ فرماندهان سپاه (صحیفه نور، جلد ۲۱، صفحه ۱۸)

بعد از آن مدیر شدند، رئیس جمهور شدند و پست‌های مملکتی را گرفتند، همگی حاصل همین جنگ بود. زمانی که امام‌خامنه‌ای حفظه‌الله می‌خواستند میرحسین موسوی را عوض کنند، امام فرمودند جنگ لطمه می‌خورد و اجازه ندادند این اتفاق بیفتد. این کار امام به این معنا است که موضوع انتقال حرکت، هیچ‌گاه نباید فراموش شود. لذا مجموعه‌ی حوادث امنیتی‌ای که در اول انقلاب و در اوج جنگ تحمیلی به وجود آمد، باعث تربیت یک سری نیروی اسلامی مطابق با فرهنگ امام و انقلاب شد. کارآمدی‌هایی مثل فرهنگ ایثار و شهادت که در جنگ ایجاد شده بود، علت تثبیت نظام اسلامی شد. پس موضوع دفاع مقدس - که به فرموده امام راحل قدس سره آن را در رأس امور قرار دادیم - مانع عدم توانمندی داخلی برای استقرار نظام را برداشت.

ظاهر قضیه جنگ فقط حفظ جغرافیای ما بود اما باطن قضیه همان است که امام آسمانی ما فرمودند که جنگ برای ما یک نعمت بود؛ برای ما ظرفیت سازی کرد تا بتوانیم دولت را اداره کنیم. اگر به پدیده‌های جنگ با نگاه بصیرانه نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که اگر این جنگ نبود، نیروهای حزب‌الله توانایی اداره کشور را نداشتند.

بنابراین جنگ موضوع انتقال است یعنی موضوع اصلی بوده است. امام راحل عظیم‌الشان جنگ را مدیریت کردند و باعث انتقال از نظام اسلامی به مرحله دولت اسلامی شدند. زمانی که امام به آسمان رفتند و امام‌خامنه‌ای حفظه‌الله جایگزین شدند، توانمندی عظیمی برای ادامه دادن راه امام احساس می‌شد. همین که نظام اسلامی تثبیت شد زمینه برای اصلاح ساختارها شروع شد و ما وارد مرحله دولت اسلامی شدیم.

### ۱.۳.۱.۳- توسعه غربی، مانع مرحله سوم انقلاب و تولید الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، موضوع انتقال از این مرحله به مرحله جامعه اسلامی

بعد از تثبیت، وارد مرحله سوم شدیم. شناخت مانع این مرحله و موضوع انتقال آن علت انتقال ما به مرحله بعد خواهد بود و آلا نه تنها انتقال صورت نمی‌گیرد بلکه خطر عقب‌گرد نیز وجود دارد.

در مرحله سوم مانع پیش‌روی ما، برنامه‌ریزی ضد مبنا است که در همه جای دنیا حکم‌فرما است. در حال حاضر برنامه‌ریزی‌های کشورهای متأثر از توسعه غربی<sup>۱</sup> هستند. قبلاً نیز اشاره شد که ساختارهای فعلی کشور برای تحقق شاخص‌های هویت مدرن توانمند هستند و این مسأله مانع انقلاب برای تحقق آرمان و اهدافش می‌باشد.

مدیریت امام راحل رهبر در واقع جا انداختن دو اولویت بود و بعد تحویل آیت‌الله‌خامنه‌ای حفظه‌الله دادند. ایشان هم الآن درگیر یک موضوع انتقال هستند که آن موضوع انتقال بنا بر تعریفی که ارائه شد، موضوعی است که علت توانمندسازی ساختارهای کشور می‌شود. موضوع انتقال از این مرحله به مرحله جامعه اسلامی، «تولید الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» است. آن موضوعی که ساختارها را برای تحقق شاخص‌های هویت اسلامی توانمند می‌کند، تولید الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت می‌باشد.

<sup>۱</sup> اجمالاً بدانیم زمانی که می‌گوییم «توسعه غربی»، یعنی مجموعه مفاهیمی که منجر به برنامه‌ریزی مدرن می‌شود و تفصیل این مطلب در آینده خواهد آمد.

الآن ساختارهای ما برای تحقق شاخص‌های WDI توانمند هستند و اگر الگوی پیشرفت اسلامی را تولید نکنیم قدرت تحقق شاخص‌های هویت اسلامی را نخواهیم داشت.

### ۱.۳.۱.۳-۱.۳.۱.۴ بانک اطلاعات اسلامی، موضوع انتقال از مرحله چهارم به مرحله امت اسلامی

موضوع انتقال به مرحله تمدن (امت) اسلامی، ایجاد بانک اطلاعات اسلامی است.<sup>۱</sup> بانک اطلاعات اسلامی اجمالاً به معنای یک شبکه گسترده پژوهشی است و موضوع فعالیتش پاسخ‌دهی به مسائل خارج از ایران اما مبتنی بر الگو و معادلات ایران است. انتشار الگوی ایران به همه بخش‌های دنیا اما تحقق آن الگو مبتنی بر بوم و ظرفیت‌های هر کشور خواهد بود. با بینش اسلامی و با ایجاد یک شبکه پژوهشی-آموزشی خاص، علت انتقال از مرحله جامعه اسلامی به مرحله تمدن اسلامی فراهم خواهد شد این شاء الله.

### ۱.۵- عدم تأثیرگذاری مبنایی واژه «ایرانی» در مفهوم الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

علت استعمال اصطلاح "ایرانی" در مسئله الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت چیست؟ مسئله ایرانی‌ت تأثیر مبنایی در الگوی پیشرفت اسلامی ندارد و علت استعمال آن -که در ادبیات انقلاب توسط

<sup>۱</sup> درآمد ارزی کشور نیز در آینده از این راه کسب می‌شود.

امام‌خامنه‌ای رحمته‌الله مطرح شده است - این است که ایرانیان توفیق داشته‌اند. امام‌خامنه‌ای رحمته‌الله به صراحت فرموده‌اند که ایرانی‌ها پیشتانز و تولیدکننده‌اش هستند<sup>۱</sup>. مسأله دیگر می‌توان به بوم و شرایط جغرافیایی اشاره کرد که در تولید الگو مؤثر است و این الگو با مبانی اسلامی باید برای بوم و جغرافیا و شرایط ایران تولید شود.

### ۱-۵- الگوی پیشرفت اسلامی، روش تحقق اهداف اسلامی

بعد از فهم اصطلاح جهت، خود به خود پاسخ این سؤال که چرا الگوی پیشرفت اسلامی به دنبال حفظ جهت‌گیری انقلاب است - و به عبارت دیگر: چرا الگوی پیشرفت اسلامی الگوی حفظ جهت‌گیری انقلاب است - مشخص می‌شود اما از باب خلاصه و جمع‌بندی در یک جمله می‌توان چنین گفت که الگوی پیشرفت اسلامی روش تحقق اهداف اسلامی است. در الگوی پیشرفت اسلامی شعارهای اصلی و اساسی انقلاب استخراج و بعد شیوه رسیدن به این شعارها مشخص می‌شود.

---

<sup>۱</sup> در خصوص ایرانی بودن الگو، علاوه بر آنچه که دوستان گفتند؛ که خوب، شرائط تاریخی، شرائط جغرافیایی، شرائط فرهنگی، شرائط اقلیمی، شرائط جغرافیای سیاسی در تشکیل این الگو تأثیر می‌گذارد - که قطعاً این‌ها درست است - این نکته هم مطرح است که طراحان آن، متفکران ایرانی هستند؛ این کاملاً وجه مناسبی است برای عنوان ایرانی؛ یعنی ما نمی‌خواهیم این را از دیگران بگیریم؛ ما می‌خواهیم آنچه را که خودمان لازم می‌دانیم، مصلحت کشورمان می‌دانیم، آینده‌مان را می‌توانیم با آن تصویر و ترسیم کنیم، این را در یک قالبی بریزیم. بنابراین، این الگو ایرانی است. بیانات امام‌خامنه‌ای رحمته‌الله در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی در تاریخ ۸۹/۰۹/۱۰



جمع‌بندی انقلاب این است که ما نمی‌توانیم آرمان‌های انقلاب را با روش‌های غربی محقق کنیم. باطن این حرف این است که چون آرمان‌های انقلاب، آرمان‌های اسلامی است، برای رسیدن به آن روش اسلامی لازم است.

بعد از فهم چرایی و چیستی الگوی پیشرفت اسلامی، مهم‌ترین سؤالی که باید مطرح شود این است که چگونه باید این الگو را تولید کنیم که فصل دوم کتاب پاسخ به این مسأله است.



# فصل دوم

اصلاح ساختارهای ذهنی (هدایت نظامات ذهنی) از طریق

پرداش موضوعات جهت ساز،

پاسخ نقشه راه به چگونه تولید الگوی پیشرفت اسلام

---

پس از فهم جهت حرکت انقلاب اسلام، مقومه مرشوم به  
ساختار ضد جهت حرکت انقلاب اسلام حرکت مرکنند؛  
ساختارهار علمس، ساختارهار عینرو و ساختارهار ذهنرو و برار  
حفظ جهت حرکت انقلاب، اصلاح و هدایت اینج به ساختار  
ضرورت دادر. اما نقشه راه تولید الگوریشرف اسلام، اصلاح  
ساختارهار ذهنرو را مقدم دانسته و پردازش موضوعات جهت  
ساز راه اصلاح ساختارهار مر داند که برار اصلاح دو ساختار  
دیگر نیز بستر ساز مر کند.

---

## ۲- اصلاح ساختارهای ذهنی (هدایت نظامات ذهنی)<sup>۱</sup> از راه پردازش موضوعات جهت‌ساز، پاسخ نقشه راه به چگونگی تولید الگوی پیشرفت اسلامی

### ۲.۱- ضرورت حذف مانع توسعه غربی در برنامه ریزی های کشور برای انتقال به مرحله جامعه اسلامی

هدف ما جامعه اسلامی است<sup>۲</sup> و برای دستیابی به آن باید ساختارهای کشور را برای تحقق شاخص‌های هویت اسلامی توانمند کنیم و مانع پیش‌روی، برنامه‌ریزی‌های مبتنی بر توسعه غربی است و تا این مانع برطرف نشود، انتقالی صورت نمی‌گیرد. باید محور برنامه‌ریزی‌ها و فعالیت‌ها مان برای حذف این مفهوم قرار گیرد. امام‌خامنه‌ای رحمته‌الله در آغاز امامتشان- که در واقع آغاز مرحله دولت اسلامی است- بر روی مفاهیمی مثل عزت، حکمت، مصلحت و یا مسأله عدالت تأکید می‌کردند و در حال نقد مفهوم توسعه به صورت مسأله محور بودند. در ابتدا، فضایی که بتوان به صورت مفهومی ضدیت

<sup>۱</sup> ادبیات نقشه راه به جای عبارت «اصلاح ساختارهای ذهنی»، معمولاً از عبارت «هدایت نظامات ذهنی» استفاده می‌کند و این عبارت بسیار دقیق‌تر می‌باشد اما روند بیان این کتاب به گونه‌ای است که با عبارت اول هم‌خوان‌تر است لذا در متن کتاب از آن استفاده شده بر خلاف نام کتاب که همان عبارت هدایت نظامات ذهنی است.

<sup>۲</sup> پس تشکیل جامعه اسلامی شد هدف؛ با همین خصوصیات، با همین شاخص‌هایی که گفته شد. این هدف هرگز کهنه شونده نیست. بیانات امام‌خامنه‌ای رحمته‌الله در دیدار دانشجویان استان کرمانشاه در تاریخ ۹۰/۰۷/۲۴

توسعه با عدالت را مطرح کرد وجود نداشت اما به صورت مسأله محور این کار انجام می‌شد؛ مثلاً ایشان بر یک سری شاخص‌ها مثل عدالت تأکید کردند و موفق شدند آن شاخص‌ها را نگه‌دارند و زمینه‌ای را به صورت آهسته آماده کردند تا جامعه به این درک برسد که توسعه، ضد مبنا حرکت می‌کند.

اگر در برنامه‌ریزی‌ها به توسعه غربی حمله کردیم، متولیان توسعه نیز در همین مرحله با ما مقابله می‌کنند و دو جبهه فتح شده<sup>۱</sup> همچنان حفظ می‌شود. کسانی که به موقع متوجه موضوع انتقال در این مرحله می‌شوند، خیلی تکاملی‌تر از انقلاب دفاع می‌کنند. البته می‌شود بدون توجه به موضوع انتقال هم از انقلاب دفاع کرد اما این یک دفاع سطحی است.

## ۲.۲- تعریف الگوی پیشرفت اسلامی به نظام معادلات محقق کننده مبنا و نقد توسعه، مدخل تولید این نظام معادلات

حذف مانع سوم از نقد توسعه شروع می‌شود تا تولید الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت. الگوی پیشرفت اسلامی طبق مفهوم جهت حرکت انقلاب یعنی «نظام معادلات محقق کننده مبنا». با این بیان الگو یک تعریف پیدا کرد که در آن جهت اصل و در جهت، مبنا اصل است.

<sup>۱</sup> دو مرحله گذرانده شده

حال اگر مانع سوم را در نظر بگیریم، این نظام معادلات از نقد توسعه بدست می‌آید. باید به مفاهیم و معادلات توسعه حمله کنیم؛ مثلاً به ضریب جینی یا به ایده «اول توسعه، بعد عدالت» حمله می‌کنیم. امام خامنه‌ای رحمته‌الله فرمودند: «ممکن است بعضی از صاحب‌نظران و به اصطلاح تئوریسین‌های اقتصادی بگویند آقا نمی‌شود؛ اگر بخواهید به پیشرفت اقتصادی دست پیدا کنید، ناچار باید فاصله طبقاتی را قبول کنید و بپذیرید! اینجا است که ما عرض می‌کنیم "نوآوری" ...»<sup>۱</sup>؛ ایشان در حال حمله به نظام نگرش‌های بسترساز توسعه غربی و نقد این نگرش‌ها هستند.

اقتصاددان‌ها می‌گویند اگر اول توسعه پیدا نکنیم و بخواهیم عدالت را اجرا کنیم، چیزی برای توزیع نیست که با آن عدالت را حکم‌فرما کنیم؛ در نتیجه توزیع فقر حاصل می‌شود یا می‌گویند اگر دولت یارانه بدهد، پول از بخش تولید خارج شده و می‌آید در بخش بازار و زمانی که در بخش بازار آمد، این به معنای افزایش تقاضا و کاهش عرضه است که تورم ماحصل آن است. همچنین می‌گویند هر چه کیک توسعه بزرگتر شود، سهم بیشتری به دست افراد می‌رسد و این گونه به ما حمله می‌کنند. پاسخ ما این است که کیک توسعه آمریکا از همه

<sup>۱</sup> بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی در تاریخ

بزرگتر است اما چرا سهم بزرگ به دست افرادش نمی‌رسد؟ قیام وال استریت<sup>۱</sup> چیست؟ شعار «ما نود ونه درصدیم» چیست؟...<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> جنبش «وال استریت را اشغال کنید»، متأثر از اوضاع نامساعد کنونی آمریکا است و به سرعت در میان برخی گروه‌های سیاسی و اجتماعی جا باز کرده است. اولین نشانه ظهور این جنبش به روز ۱۷ سپتامبر باز می‌گردد که تعدادی از فعالان در برابر ساختمان بورس اوراق بهادار نیویورک در خیابان وال استریت تجمع کردند و اعلام کردند تا زمانی که به خواسته‌هایشان رسیدگی نشود، به تجمع خود پایان نخواهند داد. خواسته‌هایی که گستردگی آن‌ها از بیمه تأمین اجتماعی است تا پایان بخشیدن به جنگ‌های آمریکا در جهان و ایجاد شغل برای جوانان. آنچه که این خواسته‌های گوناگون را به هم وصل کرده، این است که این گروه‌ها اعتقاد دارند مدیران مالی در وال استریت هستند که مسبب همه این مشکلات هستند.

<sup>۲</sup> نکته آخر هم در مورد مسائل غرب است. این مسئله آمریکا، مسأله مهمی است. این چیزی که به عنوان «جنبش وال استریت»، مردم آمریکا را به هیجان آورده، مهم است. سعی کردند این را کوچک نشان بدهند، الان هم سعی می‌کنند کوچک نشان بدهند. همین آقایانی که مدعی هستند آزادی بیان لازم است و طرفدار آزادی بیانند، تا دو سه هفته از شروع این جنبش، از همه روزنامه‌های مهم آمریکا، فقط یک روزنامه خبر این حرکت را منتشر کرد؛ بقیه به سکوت برگزار کردند! این‌هایی که اگر در گوشه‌ای از دنیا - آنجایی که با سیاست‌های این‌ها مخالف است - یک چیز کوچکی اتفاق بیفتد، صد برابر آن را بزرگ می‌کنند، یک حرکت به این عظمت را به کلی مورد سکوت قرار دادند؛ مسکوت گذاشتند. ولی خب، بالاخره دیدند چاره‌ای نیست. خود همان کسانی که آنجا جمعند - این چندین هزار نفری که در نیویورک در وال استریت جمع شده‌اند - و اشیاء آن‌ها در شهرهای دیگر و ایالات دیگر آمریکا، آن‌ها را مجبور کردند؛ لذا حالا به این حادثه اقرار می‌کنند. البته می‌خواهند موج‌سواری کنند؛ اما قضیه، قضیه مهمی است. یک مسأله این است که فساد رژیم سرمایه‌داری برای آن مردم، محسوس و عینی شده است. ممکن است این حرکت را سرکوب کنند، اما نمی‌توانند ریشه‌های این حرکت را از بین ببرند؛ بالاخره یک روزی این حرکت آن‌چنان خواهد بالید که





این است که باید توسعه و مفاهیم مدرنیته نقد شود تا به تولید الگوی پیشرفت اسلامی برسیم.

## ۲.۳- ساختارهای علمی، عینی و ذهنی، سه ساختار ضد جهت و ضرورت اصلاح آن ها برای حفظ جهت گیری انقلاب

اگر توسعه غربی را مانع پیشرفت انقلاب به سمت تحقق آرمان‌هایش بدانیم، با این فرض سه ساختار ضد جهت حرکت انقلاب هستند. یکی ساختار علمی و یا همان معادلات علمی است که برخاسته از فرهنگ و تفکر و تجربه غرب است؛ مانند علوم انسانی<sup>۱</sup> که هم اکنون در دانشگاه‌های کشور تدریس می‌شوند. دیگری ساختارهای عینی و در واقع همان نهادهای اجرایی است که به نحوی متکفل اجرای برنامه‌ریزی‌های متأثر از توسعه غربی است مانند سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی. قسم آخر ساختارهای ذهنی است که اجمالاً به معنای نگرش‌های فردی و اجتماعی و تاریخی مؤثر در تصمیم‌گیری افراد است. قطعاً برای رسیدن به پیشرفت اسلامی، هر سه ساختار باید

---

نظام سرمایه‌داری آمریکا و غرب را بکلی به زمین خواهد زد. بیانات امام خامنه‌ای عجّل‌الله در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه در تاریخ ۹۰/۰۷/۲۰

<sup>۱</sup> اینکه بنده درباره علوم انسانی در دانشگاه‌ها و خطر این دانش‌های ذاتاً مسموم هشدار دادم - هم به دانشگاه‌ها، هم به مسؤولان - به خاطر همین است. این علوم انسانی‌ای که امروز رایج است، محتوایی دارد که ماهیتاً معارض و مخالف با حرکت اسلامی و نظام اسلامی است؛ متکی بر جهان‌بینی دیگری است؛ حرف دیگری دارد، هدف دیگری دارد. بیانات امام خامنه‌ای عجّل‌الله در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم در تاریخ

۸۹/۰۷/۲۹

اصلاح شود اما باید تقدم و تأخر هر رویکرد را جدی گرفت و آلا با مشکلات جدی روبه‌رو خواهیم شد.

## **۲.۴- نقد ساختارهای علمی، عینی و ذهنی، انواع سه گانه نقد و قسم اخیر، روش نقشه راه در تولید الگوی پیشرفت اسلامی**

### **۲.۴.۱- نقد ساختارهای علمی به معنای نقد ریشه ها و مبانی فلسفی و روشی غرب**

گاهی نقد ما از ریشه‌ها است؛ از مبانی فلسفی و روشی غرب است و علت اعتقاد آن‌ها را به توسعه، انسان شناسی و تعریف آن‌ها از انسان و جامعه و ... می‌دانیم. این یک نوع تعریف و نقد است که نقد ساختارهای علمی ضد جهت حرکت انقلاب است.

#### **۲.۴.۱.۱- طولانی مدت بودن، عدم همگرایی بین اندیشمندان و به خصوص غفلت از مدیریت فعلی تحولات، سه اشکال اساسی به این رویکرد**

اولاً این نوع رویکرد نقدی به دلیل طولانی بودن کارآمد نیست. نقدهای مبنایی، فلسفی و روشی سخنان درستی است اما برنامه‌های نقد توسعه، برنامه‌هایی نیستند که در مدت زمان ۱ یا ۲ سال در کشورمان نتیجه بدهند؛ شاید ۵۰ سال گفت و گو نیاز داشته باشد تا بتوانیم با اندیشمندان داخل بر نقد مبنا و به چالش کشیدن مفهوم

«science»<sup>۱</sup>، ادبیات توسعه، جامعه شناسی، مدیریت و اقتصاد آن، تفاهم پیدا کنیم.

ثانیاً یک سؤال اساسی در این جا وجود دارد و آن این است که اگر سطح برخورد ما با تمدن مقابل (توسعه غرب) مبنایی باشد، تکلیف (سرنوشت) مدیریت فعلی و هدایت تحولات<sup>۲</sup> کشور برای عدم انحلال در توسعه چه می شود؟ آیا می توان آن را به حال خود واگذار و به بحث های نظری نشست؟ قطعاً پاسخ منفی است و شرایط تحولات کشور به گونه ای است که اگر فکری به حال آن ها نشود، باید منتظر انحلال انقلاب در تمدن غرب بود.

---

<sup>۱</sup> علم در زبان فارسی به معنایی متفاوت و عام تر از معادل انگلیسی آن (Science) به کار می رود. در این مفهوم علم معادل هر نوعی از دانش (Knowledge) است. واژه علم در این مفهوم کلی شامل هر نوع آگاهی نسبت به اشیاء، پدیده ها، روابط و غیره است، اعم از اینکه مربوط به حوزه مادی و طبیعی باشد و یا مربوط به علوم معنا و ماوراء الطبیعه. اصطلاحاتی چون علم اخلاق، علم حدیث و علم ریاضیات نشان دهنده کاربرد این معنا از علم هستند. در مقابل، مفهوم علم به طور خاص وجود دارد که معادل واژه انگلیسی Science است که از ریشه لاتینی «ساینتیا» به معنای دانستن گرفته شده است و متناظر با آن بخشی از دانش بشری است که از طریق روش های تجربی حاصل شده است و قواعد علوم تجربی بر آن حاکم است.

<sup>۲</sup> بحثی که امروز من مطرح می کنم، بحث لزوم بازشناسی الگوی توسعه و پیشرفت است. ما می خواهیم پیشرفت کنیم. مدل این پیشرفت چیست؟ این مدل را باید بازشناسی کنیم. در آخرین دیداری که من با دانشجویها داشتم - چند ماه قبل در سمنان - بحث تحول را مطرح کردم. گفتم تحول، سنت الهی است در زندگی بشر. با او سینه به سینه نباید شد؛ از او استقبال باید کرد. باید تحول را مدیریت کرد، تا به پیشرفت بینجامد؛ جامعه را پیش برد. بیانات امام خامنه ای عنه السلام در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد در تاریخ ۸۶/۰۲/۲۵

## ۲.۴.۲- نقد ساختارهای عینی به معنای نقد ساختارها و نهادها و برنامه‌های توسعه محور

نقد دیگر این است که برنامه‌ها و ساختارهای توسعه را اصل قرار دهیم و به نحوی آن‌ها را متأثر از برنامه خود کنیم؛ مثلاً برنامه پنجم توسعه را نقد کنیم. این فرآیند نسبت به نقد علمی کوتاه مدت‌تر است.

### ۲.۴.۲.۱- عدم امکان تقاهم با جامعه و همچنین غفلت از تحولات تدریجی، دو اشکال اساسی به این رویکرد

اشکال این نوع رویکرد این است که اولاً مردم نمی‌توانند با آن ارتباط برقرار کنند و در نتیجه آن را همراهی نخواهند کرد و چه بسا مخالفت کنند.

ثانیاً تحولاتی در کشور در جریان است که این نوع رویکرد حتی گاهی توان تشخیص آن‌ها را ندارد<sup>۱</sup>؛ تحولاتی که تدریجاً جهت انقلاب را به سمت تمدن غرب سوق می‌دهد و این انحلال بسیار نرم اتفاق می‌افتد.

### ۲.۴.۳- نقد ساختارهای ذهنی به معنای نقد نگرش‌های ضد جهت

<sup>۱</sup> اگر به محتوا و اصول توجه نشود، ممکن است در زیر پوست شکل رسمی نظام، تغییرات تدریجی و بی‌سر و صدایی اتفاق بیفتد و نظام اسلامی را به سمت انحراف بکشاند که در برخی مواقع، خواص هم متوجه این انحراف تدریجی نمی‌شوند. دیدار اعضای مجلس خبرگان با مقام امام خامنه‌ای عجله الله تعالی فرجه در تاریخ ۸۷/۰۶/۰۷

نوع دیگر نقد، نقد ساختارهای ذهنی است. مختار نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی، این نوع از نقد می‌باشد. نقشه راه برای توانمندسازی ساختارها و حذف مانع مرحله سوم انقلاب - که گفته شد از نقد توسعه شروع می‌شود تا تولید الگوی پیشرفت اسلامی- به نقد و اصلاح ساختارهای ذهنی می‌پردازد. بنابراین باید این روش را تعریف و تشریح نماییم.

### ۲.۴.۳.۱- تعریف ساختارهای ذهنی به نگرش های بسیج کننده جامعه بر روی موضوع مورد نظر و تعریف نگرش به یک چهارچوب ذهنی

ساختارهای ذهنی عبارت است از نگرش‌هایی که باعث بسیج جامعه و مردم بر روی موضوع مورد نظر می‌شود و آن نگرش‌ها - فارق از این که مردم روش‌هاشان را بدانند- قابل تفاهم باشند<sup>۱</sup>. نگرش یک چهارچوب ذهنی است که اگر جامعه آن چهارچوب ذهنی را بپذیرد، با جهت و تئوری مورد نظر همراهی می‌کند. البته ساختارهای ذهنی ریشه در ساختارهای عینی و علمی دارند، اما بریده از آن‌ها مردم را بسیج می‌کنند. جامعه باید با هر تئوری همراهی کند تا آن تئوری به ثمر بنشیند.

<sup>۱</sup> البته تعریف فنی ساختارهای ذهنی عبارتند از نگرش‌های مؤثر در تصمیم‌گیری فرد که شامل نگرش‌های فردی، اجتماعی و تاریخی می‌شود و اصلاح این ساختار و به عبارتی هدایت نظامات ذهنی، به معنی تصرف در این نگرش است که نتیجه آن جامعه را بر موضوع مورد نظر بسیج می‌کند اما از آن جایی که این کتاب قصد معرفی اجمالی نقشه راه را دارد، نمی‌توان به تفصیل مطلب و بحث تخصصی پرداخت.

مثلاً روشنفکران با نگرش اول توسعه بعد عدالت، مردم را جهت‌دهی می‌کنند. متفکران توسعه با مردم به وسیله تمثیل صحبت می‌کنند و از روش‌هاشان بحثی نمی‌کنند. اقتصاددانی که با مردم شروع به صحبت می‌کند، نمی‌گوید که یک اقتصاددان نهادگرا یا وابسته به مکتب دیگری است؛ زیرا مردم با او همراهی نمی‌کنند؛ بلکه با یک سری نگرش‌ها و مثال‌ها آن‌ها را با خود همراه می‌کند. در حقیقت حمله به توسعه غربی نقد این نظام نگرش‌ها و شکستن و اصلاح آن‌ها است.

اگر با جامعه از مجرای مبانی فلسفی و روشی صحبت کنیم، ارتباط با مردم بکلی قطع می‌شود. حتی اگر برنامه‌ریزی‌ها مان را به صورت علمی انجام دهیم و بعد به قانون تبدیل کنیم (تغییر ساختارهای عینی)، باز هم نمی‌توانیم با مردم ارتباط برقرار کنیم. لذا متفکران توسعه غربی زمانی که می‌خواهند با مردم ارتباط برقرار کنند و آن‌ها را با خود همراه کنند، نگرش‌سازی می‌کنند. اگر بتوانیم نگرش‌های آن‌ها را به چالش بکشیم، خواهیم توانست بسیج شدن جامعه به سمت توسعه غربی را به چالش بکشیم و فرصت برای زدن ریشه‌هایش که نقد علوم انسانی فعلی است، ایجاد می‌شود.

مشخص است که هر تئوری علمی و ساختار عینی یک نقطه وصل با جامعه دارد. زیرا جامعه باید برنامه آن را بپذیرد تا آن تئوری محقق شود. نقطه وصل تئوری‌های علمی و عینی جامعه با مردم، «ساختارهای ذهنی» یعنی نظام نگرش‌ها است. اگر حمله کردیم و این نگرش‌ها را شکستیم در واقع نگذاشته‌ایم این جهت غربی در جامعه

حاکم شود. البته روشنفکران دوباره با یک نگرش جدید وارد می‌شوند و ما باید دوباره با آنها مقابله کنیم.

این که ۳۰ سال است که امام خمینی علیه السلام و امام خامنه‌ای عظمت‌الله نگذاشته‌اند جهت انقلاب از دست برود، به این دلیل است که مدام به نگرش‌های ضد جهت حمله کرده‌اند. ما این نگرش‌های بسیج‌کننده جامعه را با عنوان ساختارهای ذهنی تعریف کرده‌ایم. به عنوان مثال امام راحل در شاخص امنیت به وسیله بسیج توانستند حفظ جهت کنند؛ زیرا بسیج دارای ریشه علمی نیست اما در مقابل ساختارهای نظامی که بر مبنای دافوس<sup>۱</sup> بود، توانست کارآمدی خود را نشان دهد.

#### ۲.۴.۴- اصلاح ساختارهای ذهنی، بستر ساز اصلاح ساختارهای عینی و

##### علمی

ساختارهای علمی و عینی قطعاً باید اصلاح شوند<sup>۲</sup> اما مسأله مهم و نکته قابل توجه این است که هرچه نگرش‌های ذهنی مورد حمله قرار گیرند، فرصت برای اصلاح ریشه‌ای ساختارهای علمی و عینی پیدا

<sup>۱</sup> دانشگاه فرماندهی و ستاد که به اختصار دافوس خوانده می‌شود، در ایران، به ارائه دوره‌های تخصصی آموزش علمی و نظامی می‌پردازد که برای اخذ درجه‌های بالاتر از سرهنگی و فوق لیسانس باید توسط نیروهای نظامی گذارنده شود. مبنای آموزشی در این ساختار نظامی، برگرفته از دانش غربی است.

<sup>۲</sup> ساختارهای علمی و عینی قطعاً باید اصلاح شوند و اشکالی که از پیش به این دو رویکرد وارد شد از این جهت بود که شرایط فعلی جامعه ظرفیت چنین مهمی را ندارد و قبل از آن باید بستر سازی کرد و اصلاح ساختارهای ذهنی چنین فرصتی را پدید می‌آورد.

می‌شود. یعنی هم جهت را حفظ کرده‌ایم و هم فضا برای اصلاح پیدا می‌شود.

۳۰ سال است که انقلاب به وسیله ساختارهای ذهنی توانسته است جلوی استکبار بایستد. البته هر دو امام بزرگوار ساختارهای ذهنی را نگه داشته و مدام دستور به کار بر ساختارهای علمی و عینی داده و زمینه مشارکت برای اصلاح ساختارهای علمی و عینی ایجاد کرده‌اند.

نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی، یک نقشه راه برای ایجاد ساختارهای ذهنی است و فرصت برای ایجاد ساختارهای عینی و علمی محیا می‌کند و إن شاء الله به زودی به نتیجه می‌رسد.

## ۲.۵- پردازش موضوعات جهت ساز، راه اصلاح ساختارهای ذهنی و ۸۱ موضوع جهت ساز در نقشه راه

راه اصلاح و هدایت ساختارهای ذهنی پردازش موضوعات جهت ساز است. موضوعات جهت ساز موضوعاتی هستند که در صورت پردازش اجتماعی، در نگرش‌های فردی، اجتماعی و تاریخی افراد تصرف<sup>۱</sup> کرده و آن‌ها را به سوی هدف مورد نظر هدایت می‌کند. این موضوعات باید دارای ویژگی خاصی باشند اما ویژگی بارز آن‌ها این است که همه مردم یا بخشی از جامعه همین الآن به آن‌ها فکر می‌کنند و به نحوی دغدغه آن‌ها است و غیرقابل انکاری هستند. مثلاً موضوعی به اسم پیش‌گیری

<sup>۱</sup> این نوع از تصرف، همانند تصرف معصومین علیهم‌السلام نیست چراکه ایشان قدرت تصرف در وجود و شاکله فرد را دارند.



از جرم داریم که قوه قضاییه به عنوان بخشی از جامعه روی آن فکر می‌کند یا مثلاً موضوع اقتصاد که همه مردم به آن فکر می‌کنند.<sup>۱</sup>

نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی مشتمل بر ۸۱ موضوع جهت‌ساز است یعنی ۸۱ مأموریت برای شکستن نگرش‌هایی که بسترساز تحقق فرآیند مدرنیزاسیون هستند و به عبارتی دیگر، ۸۱ راه‌روی بزرگ برای تئوریزه کردن نگرش‌های متناسب با جهت حرکت انقلاب اسلامی.<sup>۲</sup>

### ۲.۵.۱- قدرت بر مدیریت فعلی تحولات اجتماعی، از اساسی‌ترین مزایای پردازش موضوعات جهت‌ساز<sup>۳</sup>

از مهمترین ویژگی‌های پردازش موضوعات جهت‌ساز، این است که می‌توان تحولات اجتماعی را به سمت پیشرفت اسلامی مدیریت کرد.<sup>۴</sup> یکی از اشکالات ما به مباحث نظری و رویکردهای علمی صرف، غفلت از مدیریت تحولات اجتماعی بود که پردازش موضوعات جهت‌ساز برای

<sup>۱</sup> در فصل گفت‌وگو سازی، سه ویژگی موضوعات جهت‌ساز به صورت تمثیلی تشریح شده‌اند.  
<sup>۲</sup> شاید در بعضی جزوات و یا کتاب‌ها با عدد ۲۷ برخورد کنید؛ این اشکال نیست بلکه موضوعات نقشه راه ۲۷ موضوع کلی است که هر کدام به سه موضوع جزئی ترجمه شده و مجموعاً ۸۱ موضوع می‌شوند.

<sup>۳</sup> شاید مدیریت تحولات مهم‌ترین حرف نقشه راه باشد اما بنای این کتاب این بوده که از دید دیگری به نقشه راه نگاه کند. در هرم اول مباحث الگو-که به مبانی نظری نقشه راه می‌پردازد- خصوصاً راجع به این موضوع بحث شده است.

<sup>۴</sup> باید تحول را مدیریت کرد، تا به پیشرفت بینجامد؛ جامعه را پیش ببرد. بیانات امام خامنه‌ای عنه‌السلام در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد در تاریخ ۸۶/۰۲/۲۵

آن چاره‌جویی کرده و پاسخ‌گو می‌باشد. سؤالی همیشه مطرح بوده است که آیا حرکت به سمت پیشرفت اسلامی به فعالیت‌های مبنایی منحصر می‌شود یا می‌توان تحولات فعلی جامعه را به سمت پیشرفت اسلامی مدیریت کرد؟

در واقع به نظر ما مدخل تفاهم با جامعه، مدیریت تحولات است و به عبارت ساده‌تر، این‌گونه نیست که ابتدا تفاهم با جامعه علمی و نخبگانی حاصل شود بعد امکان مدیریت تحوّل فراهم شود. الزاماً جریان‌هایی می‌توانند مباحث نظری خود را به تفاهم جامعه برسانند که بتوانند براساس دیدگاه‌های نظری‌شان، تحولات اجتماعی را مدیریت کنند. قطعاً مباحث تئوریک را فراموش نکرده‌ایم اما فراگیر شدن مباحث تئوریک منوط به ایفای نقش در صحنه فعلی جامعه می‌باشد.

حال این که چگونه نقشه راه می‌تواند در این عرصه ورود پیدا کند، پایه نقشه راه برای مدیریت تحولات این است جهت حرکت انقلاب را تئوریزه کند. اگر هر جریان اجتماعی بتواند جهت حرکت خود را تبیین و روشن کند، خواهد توانست در عرصه‌های مختلف، تحولات مختلف را مدیریت کند.

## ۲.۵.۲- گفتمان سازی، از دیگر مزایای پردازش موضوعات جهت ساز

از دیگر مزایای مهم پردازش موضوعات جهت‌ساز این است که می‌توان برای تولید الگوی پیشرفت اسلامی گفتمان‌سازی کرد.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> چرایی و چگونگی گفتمان‌سازی در فصل چهارم کتاب تبیین خواهد شد.



# فصل سوم

پکسان انگاری پیشرفت اسلام و توسعہ غریب،

بزرگترین خطر دارہ سیرت و لیدالگو

---

در مسیر تولید الگور اسلام ایرانر پیشرفت با یک خطر جدی  
مواجه می شویم و آنگاه این است که عده لاریز نخبگان پیشرفت  
اسلام را همان توسعه غربی می پندارند و اگر این یکسان انگار  
مرتفع نشود، به الگور مطلوب انقلاب دست نخواهیم یافت.

---

### ۳- یکسان انگاری پیشرفت اسلامی و توسعه غربی، بزرگترین خطر در مسیر تولید الگو و ضرورت رفع این خطر برای نیل به مقصود

#### ۳.۱- ارائه یک سری سفارشات نو و بی‌سابقه از ناحیه ادبیات انقلاب و پاسخگویی غلط به آن‌ها از سوی جامعه علمی، یک آسیب جدی در روند علمی کشور

بعد از فهم چگونگی تولید الگوی پیشرفت اسلامی، مهم‌ترین مطلبی که با آن مواجه هستیم این است که چه موانعی در این مسیر وجود دارد. برای این مسأله از یک آسیب‌شناسی شروع می‌کنیم که امروز در کارهای فکری انقلاب به آن مبتلا هستیم. آن آسیب به صورت خلاصه این است که در ادبیات انقلاب یک سری سفارشات علمی مطرح می‌شود که قبلاً سابقه طرح نداشته‌اند و اگر در دپارتمان‌های علم دنیا به دنبال آن‌ها بگردیم جوابی ندارند؛<sup>۱</sup> و از طرفی چون این سؤالات و سفارشات به دقت تبیین و تحلیل نمی‌شوند، به سؤالات مشابه خود منحل شده و به آن‌ها همان پاسخی داده می‌شود که به سؤالات مشابه پاسخ داده شده است. مثلاً رهبر معظم سفارش کرده‌اند که اقتصاد مقاومتی، نسبت بین عدالت و پیشرفت - که دهه چهارم انقلاب را ایشان به دهه پیشرفت و عدالت نام‌گذاری کرده‌اند<sup>۲</sup> -

<sup>۱</sup> چون موضوعاتی نو و تأسیسی هستند.

<sup>۲</sup> برای دهه چهارم - این ۱۰ سالی که پیش‌روی ما است - دو شاخص عمده وجود دارد که باید این دو را حتماً به دست بیاوریم: یکی پیشرفت است، یکی عدالت. بیانات امام خامنه‌ای عنه‌السلام در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۸۷/۰۱/۰۱

چگونگی اصلاح الگوی مصرف، تأثیرگذاری برنامه‌ریزی کشور بر موضوع مهم خانواده و موضوعات فراوان دیگری- که اصلی و فرعی دارند- تبیین شوند اما بر خلاف امر، تبیین دقیق صورت نمی‌گیرد و پاسخی اشتباه به آن‌ها داده می‌شود.

اخیراً در بحث اقتصاد مقاومتی که مطرح شده است، همین اتفاق در حال تکرار شدن است. در یک نشست، نخبه‌ای که به عنوان سخنران دعوت شده یا از او مقاله‌ای آورده شده یا مصاحبه‌ای از او منتشر شده است، سعی می‌کند همان سؤال قبل را یک طوری به سؤال جدید تحمیل کند و می‌گوید این سؤال جدیدی نیست، همان قبلی است و اتفاقاً حاصلش این می‌شود و ما قبلاً این را گفته‌ایم و رهبران انقلاب تازه متوجه این قضیه شده‌اند! این آفتی است که همایش‌ها برای پاسخ‌گویی به سؤالات انقلاب دچار شده‌اند. اگر بخواهیم در یک جمله بگوییم: «عدم تبیین دقیق و روشن مسائل تأسیسی انقلاب، نزد برگزارکنندگان و نزد شرکت‌کنندگان این‌گونه همایش‌ها».

به نظر می‌آید همایش‌های موجود که در سطح ملی برگزار می‌شود، ما را به سرمنزل مقصود نمی‌رساند و استدلال آن هم یک نکته است و آن، موضوعات انتقال یا تحوّل نظام موضوعاتی نیستند که برای آن‌ها در دنیای علمی امروز پاسخی ارائه شده باشد. اگر قصد داشتیم که با ایجاد تغییراتی روبنایی نسبت به یک سؤالی که قبلاً در دنیا نمونه داشته است پاسخی بدهیم، شاید مکانیزم همایش‌های موجود کفایت می‌کرد چراکه می‌خواستیم سؤال از قبل معلوم شده را تکاملی‌تر جواب



دهیم اما پیرامون موضوعات انتقال نظام این گونه نیست. مثلاً در مورد مسأله جهاد اقتصادی که امام‌خامنه‌ای کَظَمَ اللَّهُ مطرح فرمودند، هنوز تصویری که قصد ارائه به وزارت‌خانه‌ها و نخبگان داریم، برای خودمان به صورت تفصیلی مشخص نیست. مفهوم جهاد اقتصادی در فضای درگیری با نظام سلطه مطرح شده است و پیش فرض‌های آن همکاری بین‌المللی نیست در حالی که در ادبیات توسعه برای اقتصاد جهانی این پیش فرض وجود دارد.<sup>۱</sup>

این داستان در مسأله علوم انسانی و اجتماعی نیز مطرح است. علوم انسانی موجود، بر پیش فرض‌های استغنائی از وحی شکل گرفته است. حال ادعا و سفارش بر این است که در علوم انسانی - که قصد تحول در آن‌ها را داریم - مفاهیم قرآن به عنوان پیش فرض قرار بگیرد. تحول در علوم انسانی سؤالی است که از ناحیه ادبیات انقلاب مطرح شده است اما سؤالی نیست که الآن بتوان پاسخ مشخصی به آن داد. باید به طریقی حرکت کرد که مسأله به‌خوبی تبیین و ذهن نخبگان با آن درگیر شود تا در آینده پاسخی کارآمد و حجیت یافته به آن بدهیم.

اگر مسأله درست تبیین نشود - که فراوان در بین مسؤولین و نخبگان دیده می‌شود - پاسخ دیگری به سؤال داده خواهد شد. سؤال

---

<sup>۱</sup> حداقل می‌توانیم ادعا کنیم پیش فرض‌های جهاد اقتصادی، همکاری حداکثری با همه کشورهای نیست. برای ما اصول ارزشی‌ای وجود دارد که محور جامعه هستند و تکیه بر آن اصول، ضریب درگیری در دنیا ایجاد می‌کند. این درگیری را باید حفظ کنیم و اقتصاد را لجستیک آن قرار دهیم و با این حال اصطلاحی به نام جهاد اقتصادی متولد می‌شود.

نظام فهمیده نمی‌شود بلکه منحل می‌شود در سؤالی که اگر به آن سؤال پاسخ داده شود، سیر انحلال انقلاب در تمدن مدرنیته روان‌تر خواهد شد و احتمالاً پس از مدتی نخبگان به این نتیجه می‌رسند که راهی جز مدرنیزاسیون وجود ندارد و این‌گونه القا می‌کنند که اسلام نمی‌تواند جامعه را اداره کند.

### ۳.۱.۱- مسأله «زمان و مکان» مطرح شده توسط امام راحل عظیم‌الشأن و انحلال آن در مسأله ای دیگر، نمونه ای از آسیب های جامعه علمی کشور در اوایل انقلاب

این آسیب از اول انقلاب بوده است. مثلاً امام راحل عظیم‌الشأن زمانی که بحث زمان و مکان در اجتهاد را مطرح کردند - و بحث جدیدی بود که در حوزه فقه مطرح می‌شد- همایش‌هایی در قم برگزار شد. در یکی از این نشست‌ها، فقهی در جلسه شرکت کرده و سخنران هم بودند. زمانی که سخنرانی ایشان بررسی می‌شود، مشاهده می‌شود که زمان و مکان در اجتهاد را به زمان و مکان در اجرای حکم یا همان بحث «تزامم»<sup>۱</sup> - که قبلاً در مباحث فقهی مطرح و بحث شده است- مربوط کرده است. اگر مسأله التزامم است، فقها زیاد درباره آن بحث کرده‌اند اما ایشان سؤال را در مفهوم التزامم منحل کرده و طبق آن به

---

<sup>۱</sup> التزامم: در یک شرایط زمانی و مکانی خاص، ممکن است نشود دو حکم فقهی را با هم اجرا کرد. مثلاً می‌خواهید نماز بخوانید و یک نفر هم در حال غرق شدن است؛ نجات جان یک انسان واجب است و اقامه نماز هم واجب است - و وقت نماز هم تنگ است - و اجرای این دو حکم در این شرایط مکانی و زمانی التزامم ایجاد می‌کند.

مسأله «شرایط مکان و زمان» جواب دادند. اگر کسی بررسی کارشناسی کند در این ۳۰ سال، همایش‌ها این گونه برگزار شده‌اند.

### ۳.۲- مسأله الگوی پیشرفت اسلامی در صدر سفارشات انقلاب

مسأله الگوی پیشرفت اسلامی در رأس این سفارشات قرار دارد<sup>۱</sup> اما مشاهده می‌شود نشست‌های جمهوری اسلامی تحت عنوان نشست الگوی پیشرفت اسلامی برگزار شده است و یکی از شخصیت‌های شناخته شده که معتقد به توسعه و اقتصاد سرمایه‌ای است، با مقاله‌ای در این نشست شرکت کرده و مسأله این که «پیشرفت چیست و الگویی چیست؟» را منحل کرده در این که «توسعه چیست و الگویی چیست؟» و بعد همان پاسخ‌هایی را که در دپارتمان‌ها به روش ایجاد توسعه در کشورهای توسعه نیافته داده شده است، در مقاله‌اش مطرح کرده است. برای ایشان که در نشست شرکت کرده‌اند، سؤال جدیدی نبوده بلکه همان سؤال قبلی بوده و نهایتاً الفاظ تغییر کرده است.

### ۳.۳- یکسان انگاری پیشرفت اسلامی و توسعه غربی به عنوان بزرگترین خطر در مسیر تولید الگوی پیشرفت، حاصل نادیده گرفتن روند علمی کشور

این آفتی است که ما به آن مبتلاً هستیم. اگر سؤال به خوبی تبیین نشود، در سؤال قبلی منحل می‌شود و حرف اصلی‌مان که ایده‌ای نو در

<sup>۱</sup> دستورکار قطعی نظام جمهوری اسلامی، دنبال کردن الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی است. بیانات امام‌خامنه‌ای علیه السلام در دیدار اساتید دانشگاه‌ها در تاریخ ۹۲/۰۵/۱۵

اداره جامعه داریم - و آن اداره جامعه بر مبنای دین است- نادیده گرفته می‌شود چراکه جوابی برایش تولید نمی‌شود و هرچه نشست برای پاسخ‌گویی به آن برگزار شده است، در واقع برای پاسخ به سؤالات رایجی بوده که در دنیا مطرح بوده است. اگر این را ملاحظه نکنیم، در ۲۰-۳۰ سال آینده به این نتیجه می‌رسیم که باید همین راه‌های موجود دنیا را رفته و نهایتاً باید بوم ایران را در نظر بگیریم مانند باقی کشورها که شرایط بومی خود را در نظر می‌گیرند. معنای این حرف این است که ۷۰-۸۰ سال این راهی که آمدیم، شعار و اشتباه بوده است.

متأسفانه بسیاری از نخبگان علمی یا سیاسی ما تصورشان از پیشرفت اسلامی همان توسعه غربی است و اگر در این شرایط- که جامعه علمی، توسعه و پیشرفت اسلامی را یکسان می‌پندارد- طرحی برای تولید الگوی پیشرفت اسلامی دنبال شود، چه خطری پیش می‌آید؟ خطری - که خیلی ظریف است- این است که ممکن است به اسم الگوی پیشرفت اسلامی، توسعه را رنگ کنند و به ما بدهند، یعنی یک نوع توسعه را بگذارند جلوی ما و بگویند این همانی است که انقلاب به دنبالش بود.

به عبارت دیگر تولید الگوی پیشرفت اسلامی کار یک نفر نیست و باید همه بضاعت علمی کشور در حوزه و دانشگاه و همه نهادها به کار گرفته شود تا ان شاءالله در یک آینده میان مدت یا بلند مدت، الگوی پیشرفت اسلامی به تدریج تولید و عملیاتی شود اما زمانی که می‌خواهید همه را به کار بگیرید آن خطر معنا پیدا می‌کند. توسعه را پیشرفت اسلامی انگاشتن خطر اصلی پیش‌روی ما می‌باشد. به تعبیر

امام‌خامنه‌ای طلسمی<sup>۱</sup> در یکسان‌انگاری توسعه و پیشرفت اسلامی وجود دارد و اگر این طلسم شکسته نشود خروجی تلاش برای تولید الگوی پیشرفت اسلامی یک الگوی توسعه خواهد شد.

### ۳.۳.۱- یکسان انگاری، ناسازگار با ایده انقلاب یعنی اداره جامعه

#### بر مبنای دین

دست‌اندرکاران این همایش‌های ۳۰ ساله، باید بگویند به چه سؤالی پاسخ داده‌اند. آیا الگوی پیشرفت اسلامی همان توسعه است؟ اگر این چنین است پس باید تکلیف شعار اصلی‌مان را -که گفتیم اداره جامعه بر مبنای دین است- روشن کنیم. آیا اداره جامعه بر مبنای دین، همان اداره جامعه توسط دینداران است، نه توسط دین؟! اگر جواب منفی است باید پاسخ‌گوی این نشست‌ها و همایش‌ها باشیم. . . .

### ۳.۳.۱.۱- شباهت عدم فهم مسأله الگوی پیشرفت اسلامی در دنیای

مبتنی بر توسعه به عدم فهم اختراع لامپ در زمان استفاده از چراغ‌های

#### گرسوز

مسأله اصلی الگوهای توسعه غرب ساخت یک تمدن است و از طرف دیگر، الگوی پیشرفت اسلامی یعنی ابزار ساخت تمدن اسلامی. حال اگر کسی الگو را در این سطح قبول نداشته باشد، یعنی اصلاً

---

<sup>۱</sup> ما حالا باید برای شکستن این طلسم فکر کنیم؛ کدام طلسم؟ این طلسم که کسی تصور کند که پیشرفت کشور باید لزوماً با الگوهای غربی انجام بگیرد. بیانات امام‌خامنه‌ای علیه السلام در

دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد در تاریخ ۸۶/۰۲/۲۵

مدعی تقابل انقلاب و مدرنیته نباشد، طبیعتاً با چنین افرادی سخن گفتن از الگوی پیشرفت اسلامی مفید نیست.

ایده محوری انقلاب قبل از ظهور، ساختن تمدن نوین اسلامی است و عده‌ای معنای تمدن نوین اسلامی را فعلاً متوجه نمی‌شوند. می‌گویند ادیسون زمانی که می‌خواست لامپ را بسازد و ارائه کند آن روز الگوی مصرف در بحث روشنایی چراغ‌های گرسوز بود. ادیسون برای ساخت لامپ احتیاج به بودجه‌ای تحقیقاتی داشت؛ لذا عده‌ای را برای پشتیبانی از پروژه خود دعوت نمود. ادیسون توضیح می‌داد که ما می‌خواهیم یک لامپ بسازیم. این‌ها سؤال کردند لامپ شما فتیله‌اش چه شکلی است؟ چه فرقی با فتیله چراغ‌های گرسوز دارد؟ جنسش فرق می‌کند؟ ابریشم است؟ ادیسون گفت: این اصلاً فتیله ندارد و دارای فلز است. این‌ها به فکر فرو رفتند که چطور یک فلز می‌تواند روغن را از مخزن سوخت به محل اشتعال انتقال دهد و نتوانستند مسأله را درک کنند. ادیسون بیشتر موضوع را شکافت و توضیح داد که سوخت آن نامرئی است و این سخن او بر ابهام‌ها افزود و در نهایت زمانی که مطرح کرد که اشتعالش هم در محیط خلأ واقع می‌شود به کلی جلسه قفل شد. به هر حال جلسه را ترک کردند و گفتند ما حرف این آقا را نمی‌فهمیم. بعضی در محیط توسعه پرورش یافته‌اند و به دنبال همان الگوهای متداول روز دنیا هستند و به عبارتی چراغ گرسوزی فکر می‌کنند و زمانی که از یک چیز جدید و با عظمت (یعنی الگوی پیشرفت اسلامی) برای آن‌ها صحبت می‌کنید، ممکن است مسأله را درک نکنند. مسأله ما ساخت یک تمدن است و مثل ساخت یک چراغ

نیست؛ هم زمان بیشتری می برد و هم احتیاج به تمام ظرفیت کشور دارد لذا حتماً این مسأله باید حل شود و جامعه علمی فهمی ولو اجمالی از موضوع پیدا کند. فهم این مسأله در تئوریزه کردن الگوی پیشرفت اسلامی خیلی مهم است.

### ۳.۴- رفع خطر یکسان انگاری نیازمند تبیین دقیق اشتراکات و افتراقات ایده انقلاب با ایده های رایج دنیا

زمانی که پرداختن به یک سؤال اساساً علت ایجاد تحول نظام و انتقال به مرحله بعد می شود، باید مکانیزم در فعالیت های گفتمانی و علمی به گونه ای تنظیم شود که نخبگان در قدم اول متوجه اصل سؤال شوند. رسیدن به پاسخ، فرع بر فهم صحیح سؤال است.

رفع خطرات ناشی از این غفلت نیازمند تبیین دقیق سؤال انقلاب می باشد و این تبیین باید یک تبیین تطبیقی باشد. مثلاً اگر راجع به الگوی پیشرفت اسلامی صحبت می شود و در یک طرف راجع به مفهوم توسعه یافتگی در دنیا بحث شده است، باید فرق پیشرفت با توسعه مشخص شود و این از طریق تبیین دقیق نقاط اشتراک و افتراق حاصل می شود.

اگر پیشرفت اسلامی، تغییرات روبنایی در مفهوم توسعه است یعنی تابع شرایط تاریخی، جغرافیایی، نیروی انسانی و هر شرایط مخصوص به ما است، باید محکم گفت؛ استدلال و ادله آورده و اثبات شود. اگر هم قرار است خلاف این گفته شود، باز هم باید محکم ایستاد و با ادله،

مسأله را اثبات و حل کرد اما اگر به اجمال بحث شود، این یک آفت است.

یکی از فرق‌های اصلی توسعه غربی و پیشرفت اسلامی مسأله عدالت است. ما نمی‌توانیم ادعا کنیم کشورمان در حال رشد و پیشرفت است اما شاخص‌های مربوط به عدالت و کاهش فاصله‌های طبقاتی در آن پیشرفت نکند. یکی دیگر از موارد فرق توسعه غربی و پیشرفت اسلامی مسأله خانواده است. امروز بحران اخلاق، معنویت و خانواده در کشورهای G8 یک مسأله غیر قابل انکار است. نمی‌توانیم از یک طرف ادعای حرکت به سمت پیشرفت را داشته باشیم و از طرف دیگر خانواده در حال فروپاشی باشد. اخیراً آمار طلاق رشد ۴ درصد داشته است و این برای ما یک فاجعه است.

### ۳.۴.۱ - اختلاف عمیق و مبنایی الگوی پیشرفت اسلامی با توسعه غربی و شاخص‌های جهانی توسعه (WDI) گویای این اختلاف

ماهیت الگوی پیشرفت اسلامی به کلی با توسعه غربی<sup>۱</sup> متفاوت است. اگر اسناد بین‌المللی را در زمینه توسعه مطالعه کنیم متوجه این سخن می‌شویم.

یکی از این اسناد، گزارش‌هایی است که سالانه بانک جهانی تحت عنوان «شاخص‌های جهانی توسعه»<sup>۲</sup> منتشر می‌کند. این مرکز بین

<sup>۱</sup> (Development)

<sup>۲</sup> همان WDI



المللی شاخص‌های جهانی توسعه را در شش بخش جهان‌نما، جمعیت، محیط‌زیست، اقتصاد، ملت‌ها و بازارها طبقه‌بندی و در این شش بخش در مجموع ۸۰۰ شاخص را معرفی می‌کند. به عنوان مثال در این گزارش میزان زایمان زیر نظر پزشک، میزان ابتلای به ایدز، میزان استفاده از تلفن همراه و میزان استفاده کاربران خانگی از اینترنت جزء شاخص‌های توسعه معرفی شده است. شاخص‌های توسعه در این گزارش به صورت تفصیلی تبیین شده است. دانشمندان ما با این درک از توسعه آشنا هستند؛ حال اگر از این دانشمندان تقاضا کنید که در تولید الگوی پیشرفت اسلامی مشارکت کنند، ممکن است ایده اجمالی جمهوری اسلامی (الگوی پیشرفت اسلامی) در درک تفصیلی توسعه منحل شود و به نام پیشرفت اسلامی، به سمت توسعه یافتگی برویم.

### **۳.۴.۲- توجه به آثار توسعه غربی در جوامع امروزی و به خصوص توجه به تجربیات ۳۰ ساله انقلاب، مؤثر در فهم ناکارآمدی الگوهای توسعه غربی**

برای فهم ناکارآمدی الگوهای توسعه غربی و همچنین فهم تقابل آن با ارزش‌های انقلاب و اسلام، از طرفی می‌توان به بحث‌های نظری و کتابخانه‌ای پرداخت و از طرفی می‌توان گذشته و حال توسعه را بازخوانی کرد. بحث‌های نظری شاید نیاز به چندین ترم دانشگاهی داشته باشد اما بازخوانی تجربیات ۳۰ ساله انقلاب و همچنین دقت در آثار توسعه غربی در جوامع امروزی، به خوبی ما را به مقصود می‌رساند.

وضعیت خانواده و فروپاشی آن و بی‌عدالتی در کشورهای توسعه یافته شاهد عینی در ناکارآمدی توسعه غربی است. از کجا معلوم که برنامه توسعه کشور را مبنا قرار دادیم و آینده‌ای مثل آمریکا - که فاصله طبقاتی در آن بسیار بالا است - نداشته باشیم؟ وضعیت توسعه کشورهای G8 الآن پیش‌روی بشریت است. این‌ها در شاخص خانواده دچار مشکل‌اند؛ در شاخص عدالت دچار مشکل‌اند؛ در مسائل معنوی دچار مشکل‌اند. زمانی که در آمار رسمی، آمریکا به عنوان توسعه یافته‌ترین کشور دنیا معرفی می‌شود، ۴۶ میلیون نفر کوپن غذا برای امرار معاش دریافت می‌کنند<sup>۱</sup> و این حجم از بی‌عدالتی در این کشور ثمره عملکرد براساس توسعه غربی می‌باشد. توسعه‌یافتگی شاخص‌های پذیرفته شده ما را قطعاً له خواهد کرد و از بین خواهد برد. یکسان‌انگاشتن توسعه غربی و پیشرفت اسلامی ثمره‌ای جز کشورهای G8 نخواهد داشت.

---

<sup>۱</sup> دولت آمریکا هر ۱۰ سال یک بار دست به سرشماری جمعیت می‌زند و طی آن اطلاعات عمده‌ای از نظر جمعیت‌شناسی و درآمد افراد کسب می‌کند. اکنون پیش‌بینی می‌شود، نرخ رسمی فقر در آمریکا که مشکل واقعی فقر را ناچیز می‌شمارد، ۱۶ درصد جمعیت آمریکا را در برخواهد گرفت. فقر یعنی فردی زیر ۱۱.۱۷۰ دلار در سال یا یک خانواده سه نفره زیر ۱۹.۰۹۰ دلار در سال درآمد داشته باشد. بر این اساس، حدود ۵۰ میلیون آمریکایی فقیر خواهند بود که این بالاترین رقم از زمانی است که بیمه خدمات درمانی و بیمه کمک‌های درمانی در سال ۱۹۶۵ اعمال شد. تنها برنامه دولت فدرال که هنوز در زنده نگاه داشتن ۵۰ میلیون آمریکایی در خطر افتاده سهمی دارد، برنامه کوپن غذایی وزارت کشاورزی آمریکا است که بر اساس آن در حال حاضر، ۴۶.۵ میلیون آمریکایی تغذیه می‌شوند. مقرری کوپن غذا در بعضی از شهرها حدود ۱۳۰ دلار در ماه است که این به معنی ۱.۵۵ دلار برای هر شخص در هر وعده غذایی است. این مقدار در همین حالا هم برای داشتن تغذیه مناسب بسیار کم است. منبع: پرس تی وی.

از سوی دیگر ۳۰ سال تجربه عملی انقلاب پیشروی ما است. بازخوانی این تجربیات پایه نقشه راه است.<sup>۱</sup> بعد از این که جنگ تمام شد و امام عظیم‌النشان به رحمت خدا رفتند، ما برای اداره کشور تجربه دوران سازندگی را داریم که امروز پیشروی ما است. بازخوانی تجربه دوران اصلاحات نیز برای ما مفید خواهد بود.

### ۳.۴.۲.۱ - بازخوانی تجربه دوران سازندگی، مؤثر در فهم ناکارآمدی الگوی توسعه غربی

یکی از شاخص‌های اسلامی مسأله عدالت و مستضعفین است. می‌توانیم فعالیت‌هایی را که در دوران سازندگی ذیل شعار سازندگی انجام شد، بر اساس شاخص عدالت ارزیابی کنیم. این شعار، شعار درستی بود ولی آیا نحوه برنامه‌ریزی - که به سمت توسعه غربی رفت - به نفع مستضعفین و تحقق شعار عدالت بود، یا برعکس؟ عدالت یکی از شعارهای اصلی انقلاب است؛ اما آیا در دوران سازندگی به سمت تشدید فاصله طبقاتی و تضعیف بیشتر مستضعفین رفتیم؟ اصطلاحی از دوران سازندگی باب شد تحت عنوان اقشار آسیب‌پذیر. در آن دوران نه تنها نخواستند به سمت عدالت بروند - که بر اساس الگوی غربی نمی‌شود به سمت عدالت رفت - بلکه عدم تحقق شاخص‌های انقلاب تئوریزه شد! لذا یکی از عواملی که باعث شد انقلاب و نیروهای انقلاب به این نتیجه برسند که ما نیاز به الگوی پیشرفت اسلامی داریم تجربه دوران سازندگی است.

<sup>۱</sup> بخشی از ۸۱ موضوع نقشه راه به این مسأله اختصاص داده شده است.

## ۳.۴.۲.۲- بازخوانی تجربه دوران اصلاحات، مؤثر در فهم ناکارآمدی الگوی توسعه غربی

تجربه دوران اصلاحات را هم می‌توانیم اضافه کنیم تا بحث دقیق‌تر شود. در دوران اصلاحات تلاش شد تا از الگوهای غربی برای اداره کشور در بخش سیاسی هم استفاده شود. شعار توسعه سیاسی و تلاش برای دموکراتیزه کردن ساختار جمهوری اسلامی - که رسماً توسط نظریه پردازان آن دوران مطرح شد- در جامعه مبنای فعالیت اصلاح طلبان قرار گرفت.

آن‌ها می‌گفتند که ما مثل دوران سازندگی فقط بخش اقتصاد را بر مبنای الگوی سرمایه‌داری اداره نمی‌کنیم، بلکه حرف‌های سیاسی غرب را هم حرف‌های نو و به‌روزی می‌دانیم. این مباحث را آوردند و تجربه‌ای برای نظام بر این اساس شکل گرفت. بازخوانی این تجربیات در فهم مسأله الگوی پیشرفت اسلامی بسیار مؤثر است.





# فصل چهارم

گفت‌و‌مان‌سازی، گام‌اول‌در‌سی‌رتولیدالگوورافع‌خط

پکسان‌انگاری

---

بعد از فهم چگونگی تولید الگوریتم‌سرفت اسلام و همچنین شناختن مهم ترین مانع در این مسیر، باید گام اول را برداریم. لازم است سو تدخ ساز اسلام یک طرف نو و جدید است و باید نخبگان کشور فکور و لو اجمالاً از این مساله در ذهن داشته باشند و از سو دیگر باید طلسم یکساختن انکار را بشکنیم و گفتن ساز موثر ترین کار است. اما اینکه چگونه گفتن ساز کنیم، باز هم نقشه راه پاسخگو مر باشد.

---



## ۴- گفتمان سازی، گام اول در مسیر تولید الگو و رافع خطر یکسان انگاری و هدایت نظامات ذهنی (اصلاح ساختارهای ذهنی) از طریق پردازش موضوعات جهت ساز، مؤثرترین روش در این گام

### ۴.۱- تولید الگوی پیشرفت اسلامی نیازمند عزم ملی و ایجاد عزم ملی نیازمند گفتمان سازی حول این موضوع

همهٔ جریاناتی که بر مسألهٔ الگوی پیشرفت اسلامی مشغول به فعالیت هستند به این نکته اذعان دارند که الگوی پیشرفت اسلامی نیازمند عزم ملی است. فرآیند تولید الگو باید با ذهنیت نخبگان جامعه درگیر شود. البته چنین لزومی هم در مورد مسألهٔ الگو و هم در مسائل مختلف و بی‌شمار دیگر صدق می‌کند. به صورت فردی بسیاری از کارها قابل تحقق و اجرا نیست بلکه مسائل باید مورد دقت نخبگان قرار گیرد تا یک مطلب و مسألهٔ پخته‌ای برای اجرا روی میز جمهوری اسلامی قرار بگیرد. آیت‌الله امام‌خامنه‌ای رحمته‌الله‌علیه هم به این مطلب که مسألهٔ الگوی پیشرفت اسلامی با بخش نامه، دستور و امثال این‌ها جلو نخواهد رفت تأکید کردند و فرمودند که باید برای این مسألهٔ گفتمان‌سازی اتفاق بیفتد.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> لازمهٔ تحقق الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت و رسوخ آن در میان نخبگان، گفتمان‌سازی آن در جامعه است. (...). «گفتمان‌سازی» شرط اصلی تحقق الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت است. دیدار اعضای شورای عالی مرکز طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با رهبر انقلاب در تاریخ ۹۱/۱۲/۱۴

### ۴.۱.۱- حرکتی بی‌سرانجام در مسیر تولید الگو بدون ایجاد درک فراگیر نسبت به این مسأله

عرض شد که در مسیر تولید الگوی پیشرفت اسلامی بزرگترین خطری که ما را تهدید می‌کند، خطر یکسان‌انگاری پیشرفت اسلامی و توسعه غربی است که متأسفانه بسیاری از نخبگان علمی و سیاسی ما گرفتار آن هستند و تا این خطر برطرف نشود، گام گذاشتن در مسیر تولید الگو توهمی بیش نیست. باید فهمی از الگوی پیشرفت اسلامی و ناکارآمدی توسعه غربی و تقابل آن با ارزش‌های اسلامی القا شود و این مهم، تنها از راه گفتمان‌سازی میسر می‌شود. تا درکی فراگیر از مسأله مورد نظر ایجاد نشود، هیچ طرح و نقشه‌ای موفق نخواهد شد.

### ۴.۲- روش‌های آموزشی، روش‌های تبلیغی و روش جامعه‌شناسی اسلامی، ۳ روش در گفتمان‌سازی

چگونه باید گفتمان‌سازی صورت بگیرد؟ طبق مطالعه میدانی ۳ گروه با ۳ روش می‌خواهند این انتقال مفهوم و گفتمان‌سازی را انجام دهند؛ یعنی این ایده را به جامعه منتقل کنند:

**گروه اول** از ابزارهای آموزشی برای انتقال ایده محوری انقلاب و تبیین تفاوت توسعه و پیشرفت اسلامی استفاده می‌کنند.

**گروه دوم** از شیوه‌های ترویجی و تبلیغی استفاده می‌کنند.

گروه سوم از روش جامعه شناسی<sup>۱</sup> اسلامی استفاده می‌کنند که در واقع مبنای نقشه راه می‌باشد.

### ۴.۲.۱- فقدان منابع علمی، فقدان منابع انسانی و عدم ایجاد نیاز در نخبگان به مسأله الگوی پیشرفت، ۳ دلیل در ناکارآمدی روش‌های آموزشی

ما به ۳ دلیل با روش اول مخالفیم:

دلیل اول: این است که در این موضوع، منابع پژوهشی و آموزشی کافی وجود ندارد. بدون منابع معتبر پژوهشی و آموزشی نمی‌توان به سمت آموزش رفت.

دلیل دوم: علاوه بر فقدان منابع علمی، فقدان منابع انسانی متبحر در این موضوع، مانعی برای استفاده فراگیر از این روش است.

دلیل سوم: از همه این‌ها مهم‌تر؛ این است که با این روش، جامعه علمی نیازی به الگوی پیشرفت اسلامی احساس نمی‌کند. چون آن را نمی‌فهمد نیازی هم به آن احساس نمی‌کند و لذا عزم ملی از طریق روش آموزشی به وجود نمی‌آید.

---

<sup>۱</sup> روش جامعه شناسی اسلامی = هدایت نظامات ذهنی از طریق پردازش موضوعات جهت ساز = اصلاح ساختارهای ذهنی از طریق پردازش موضوعات جهت ساز

## ۴.۲.۲- ناکارآمدی روش های آموزشی، دلیل بر ناکارآمدی روش های تبلیغی

اگر به ماهیت روش های تبلیغی دقت کنیم، به طریق اولی با این روش نمی شود مسأله الگوی پیشرفت اسلامی را جا انداخت. زمانی می توان فکری را ترویج کرد که از قبل آماده آموزش شده باشد. عدم امکان طرح عمیق مسأله، از دیگر مشکلات این روش است. روش های تبلیغی در حد القای ضرورت مسأله و یا طرح مسأله کارآیی دارند اما در تعمیق مسأله ناتوان هستند.

## ۴.۲.۳- ضرورت رعایت ۳ اصل اساسی در روش جامعه شناسی اسلامی برای ایجاد تحوّل

روش سوم در گفتمان سازی که مختار نقشه راه می باشد روش جامعه شناسی اسلامی است. جامعه شناسی اسلامی همان اصلاح ساختارهای ذهنی، همان هدایت نظامات ذهنی است که از طریق پردازش موضوعات جهت ساز تحقق می یابد. از پیش اشاره ای به ویژگی های این روش شد اما اکنون بیش تر به آنها می پردازیم.

## ۴.۲.۳.۱- ورودی بحث غیر قابل انکار، اصل اول در روش جامعه شناسی اسلامی

اولین اصل این است که با گروه هدف و مخاطب از جایی شروع کنیم که مورد انکار او نباشد و در حقیقت با نیاز او گره خورده باشد.

انکار به چه معنا؟ یعنی موضوعی را ورودی و مدخل بحث قرار دهیم که ضرورت و اولویت آن موضوع را انکار نکند. به عنوان مثال اگر بخواهیم با استفاده از روش جامعه شناسی اسلامی با قوه قضاییه و کادر محترم این نهاد در مورد مسأله الگوی پیشرفت اسلامی تفاهم کنیم، بحثمان را از موضوع پیشگیری از جرم شروع می‌کنیم.

پیشگیری از جرم مورد انکار قوه قضاییه نیست، یعنی هم ضرورت و هم اولویت آن را قبول دارند. اگر ما به قوه قضاییه بگوییم می‌خواهیم برای پیشگیری از جرم کاری انجام دهیم نه تنها نمی‌گویند به ما ربطی ندارد بلکه می‌گویند اتفاقاً به ما مربوط است. اولویتش را قبول دارند چون ورودی پرونده‌ها در قوه قضاییه در حال زیاد شدن است.

اگر قرار است گفتمان سازی اتفاق بیفتد، باید با نیاز جامعه درگیر شود. بدون درگیری فکری با نیاز جامعه، فرآیند گفتمان سازی و درگیری نخبگان با مسأله تولید الگوی پیشرفت اسلامی اتفاق نخواهد افتاد. اگر نیاز بخش‌های مختلف و گروه‌های مختلف در نظر گرفته و سپس نسبت نیاز آن بخش یا گروه با مسأله الگو دیده شود، انگیزه مضاعفی در میان اقشار و اصناف مختلف جامعه نسبت به مسأله الگوی پیشرفت اسلامی ایجاد خواهد شد.

## ۴.۲.۳.۲- قابلیت ترجمه و ورودی بحث به مسأله الگوی پیشرفت اسلامی، اصل دوم در روش جامعه‌شناسی

اصل دوم روش جامعه‌شناسی اسلامی این است که مطلع و ورودی بحث، قابلیت ترجمه به مسأله الگوی پیشرفت اسلامی را داشته باشد. ممکن است خیلی از موضوعات، مورد انکار طرف مقابل نباشند، اما نتوان با آن مسأله الگوی پیشرفت اسلامی را جا انداخت.

اصل دوم را با مثال پیش‌گیری از جرم تبیین می‌کنیم. عنوان بحث با قوه قضائیه «پیش‌گیری از جرم» است و می‌خواهیم مسأله الگو را با استفاده از این موضوع تبیین کنیم. تحلیل‌های مختلف پیش‌گیری از جرم را مطرح می‌کنیم؛ مثلاً تقسیم‌بندی‌هایی گفته‌اند که پیشگیری وضعی، کیفری، غیرکیفری، پیش‌گیری اجتماعی و... داریم. ضمن این که بر این تعاریف نقد می‌زنیم براساس تحلیل انقلاب و اسلام، پیدایش جرم را ریشه‌یابی می‌کنیم. اسلام درباره پیش‌گیری چه گفته است؟ پاسخ اسلام در قالب تئوری «پیش‌گیری بنیادین» تئوریزه شده است. بر اساس این تئوری اگر در سال‌های شکل‌گیری شخصیت، آموزش‌ها و رفتارهای اولیه بر اساس آموزش‌های اسلام شکل بگیرد، این شکل‌گیری شخصیت، مادر و اساس پیش‌گیری از جرم است. به عبارت دیگر منشاء اصلی پیدایش جرم خدشه به عواطف و آموزش‌های اولیه و رفتارها است. خدشه‌ای بنیادین به شخصیت و شکل‌گیری صحیح شخصیت در نهاد خانواده وارد می‌آید. ما از پیش‌گیری شروع کردیم و به نهاد خانواده رسیدیم. مادر ایجاد جرم، خانواده غیر اسلامی است. اگر

یک خانواده تضعیف شد خروجی آن ایجاد استعداد اجتماعی برای انجام جرم خواهد شد.

چه چیزی خانواده را تضعیف می‌کند؟ یکی از این عوامل، الگوی آموزش جامعه است. الگوی آموزش، ضد خانواده است. فرد از سن ۷ سالگی وارد سیستم آموزشی شده و تا زمانی که فارغ‌التحصیل می‌شود بخشی از دوران آموزش او با سن ازدواجش تلاقی می‌کند. سیستم آموزشی سن ازدواج را بالا می‌برد. دوران آموزشی که تمام شود ۱۰ سال از سن ازدواج می‌گذرد. پس سیستم آموزشی خانواده را تضعیف می‌کند. نظام آموزشی بخشی از الگوی توسعه و متناسب با Development است. البته از این حیث که افراد را آماده پذیرش زندگی مشترک نمی‌کند بازهم خانواده را تضعیف می‌کند.

الگوی مصرف هم نهاد خانواده را تضعیف می‌کند. فرد پس از سن آموزشی زمانی که می‌خواهد - طبق الگوی مصرف روز جامعه- لوازم شروع یک زندگی را تأمین کند، مدت زمانی می‌برد که علت تأخیر در تشکیل نهاد خانواده می‌شود. البته این الگوی مصرف فقط در تأخیر شروع زندگی مؤثر نیست؛ خود زندگی هم که شروع شود، همت پدر و مادر تأمین این الگوی مصرف خواهد بود. تلاش برای تأمین هزینه‌های این الگوی مصرف نقش پدر و مادر را به نقش نان آور مذکر و نان آور مؤنث خانه تنزل می‌دهد. الگوی مصرف، هم در شروع زندگی خانواده اسلامی و هم در کیفیت آن، مانع ایجاد می‌کند. کمترین عارضه الگوی مصرف، انتقال کودکان و تربیت آن‌ها به مهدکودک است.

سومین عامل تضعیف کننده خانواده الگوی تولید مدرن است. الگوی تولید جامعه به زن به عنوان یک نیروی کار نگاه می‌کند. با این وصف انتظار شوهرداری و همچنین مادری، انتظاری فرعی است. متغیر اصلی تربیت، مادر است اما پدر هم متغیر و مؤثر است اما کار اختصاصی زن، شوهرداری است که بتواند برای مرد امنیت ایجاد کند و مرد را به خانه پایبند کند؛ خانه محل سکینه شود؛ مرد از محل کار با شوق به خانه برگردد و بگوید از سختی‌های روزانه به محل امن می‌روم. این مسأله ریشهٔ سعادت است. اگر خانه‌ها محل‌های امن برای بچه‌ها و پدر و مادر باشند، جامعه سعادت می‌یابد. وقتی الگوی تولید، زن را نیروی کار تعریف می‌کند، کار شوهرداری و مادری و این نقش‌ها فرعی می‌شود.

نهاد خانواده که تضعیف شد استعداد اجتماعی برای جرم افزایش می‌یابد. پس ما از پیش‌گیری شروع کردیم اما به مسألهٔ ضرورت بازنگری در ساختارهای کلان ادارهٔ جامعه رسیدیم و این یعنی ضرورت تولید الگوی پیشرفت اسلامی. ورودی و مدخل بحث پیش‌گیری بود و مورد انکار نبود و در گام دوم توانستیم این مسأله را مبنایی تحلیل کنیم و تولید الگوی پیشرفت اسلامی را به عنوان لازمهٔ پیش‌گیری مبنایی مطرح نماییم.



### ۴.۲.۳.۳- قدرت ایجاد مشارکت اجتماعی، اصل سوم در روش جامعه شناسی اسلامی

اصل سوم روش جامعه شناسی اسلامی این است که موضوعی انتخاب شود که قدرت ایجاد مشارکت اجتماعی داشته باشد. موضوعی که نخبگان، مسؤولان و مردم را به عرصه مشارکت برساند و همین الآن با توان علمی حوزه و دانشگاه و توان علمی و اجرایی مسؤولان و باقی ظرفیت‌های کشور، قدرت شروع بحث را داشته باشد و از طرفی لازم نباشد که افراد با سیاست‌های تشویقی و تنبیهی در کارگاه آموزشی شرکت کنند.

### ۴.۳- وقوع حوادث اخیر دنیا از جمله بیداری اسلامی و قیام وال استریت، پدیدآورنده فضای مناسب‌تر برای پرداختن به مسأله الگوی پیشرفت اسلامی

این موضوع بیداری اسلامی و قیام ضد وال استریت و بحران‌هایی که در غرب به وجود آمده است از دو حیث فضا را برای پرداختن به مسأله الگوی پیشرفت اسلامی آماده‌تر کرده است. حیث اول اینکه با نابود شدن دیکتاتورها و معلوم شدن ناکارآمدی‌ها در بخش سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ناکارآمدی الگوهای غربی مشخص شده است. مسأله دیگر این است که چون مستعمرات آمریکا در منطقه از دست رفته است، نمی‌تواند مانند گذشته ایران را اذیت کند و این یعنی فراغت بال بیشتر برای حل این مسائل. مجموعه شرایط انقلاب فضای

بسیار مناسب‌تری را برای پرداختن به این بحث‌ها برای نیروهای انقلاب آماده کرده است.





# فصل پنجم

شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلام از جمله جریانات

فعال پروسالہ الگوی پیشرفت اسلام

---

بعد از طرح مسأله الگوبرهینسرفست اسلام، جریان‌های علمی  
مختلف شروع به کار کردند. اگر پاسخ‌گویر به سه سوال چیست،  
چرا و چگونه تولید الگو را یک ملاک برایشناسایر فعالان در  
عرصه الگوبرهینسرفست، ده جریان فعال را می‌توان نام برد و شوراه  
را هبدر الگوبرهینسرفست اسلام، از جمله اینجریان است.

---

## ۵- شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی، از جمله جریان‌های فعال بر مسأله الگوی پیشرفت اسلامی و نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی، اولویت کاری این شورا

### ۵.۱- تقسیم جریان‌های فعال بر مسأله الگوی پیشرفت اسلامی به ۱۰ جریان براساس یک شاخص

غیر از تشکیلاتی رسمی که آیت‌الله امام‌خامنه‌ای رحمته‌الله علیه در دفتر خود برای مسأله الگوی پیشرفت ایجاد کرده‌اند، به تبع سفارش ایشان<sup>۱</sup> ده‌ها حلقه و گروه مطالعاتی راجع به مسأله الگوی پیشرفت اسلامی در کشور شکل گرفت که با یک شاخص مشخص حدوداً به ۱۰ جریان تقسیم می‌شوند.<sup>۲</sup>

---

<sup>۱</sup> در تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، ممکن است تشکیل ده‌ها جلسه و ایجاد ده‌ها حلقه علمی و فکری در دانشگاه‌ها و حوزه‌ها ضروری باشد، به‌رحال این «راه آغاز شده» با استفاده از همه ظرفیت نخبگانی کشور ادامه یابد تا این‌شاء‌الله به نقطه مطلوب برسد. بیانات امام‌خامنه‌ای رحمته‌الله علیه در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی در تاریخ ۸۹/۰۹/۱۰

<sup>۲</sup> اجمالاً به این جریان‌ها اشاره می‌کنیم: ۱- مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت که یک جریان رسمی است و به نحوی بزرگ همه جریان‌ها محسوب می‌شود و طبق اساس‌نامه و توصیه امام‌خامنه‌ای رحمته‌الله علیه باید از همه جریان‌ها گزارش بگیرد و پشتیبانی کند. رئیس این مرکز جناب آقای دکتر صادق واعظ زاده است. ۲- فرهنگستان علوم اسلامی که رئیس آن حضرت آیت‌الله سید مهدی میرباقری رحمته‌الله علیه است. ۳- حسینیه اندیشه که ریاست آن با حجت الاسلام صدوقی رحمته‌الله علیه است و این دو جریان (فرهنگستان و حسینیه اندیشه) شاگردان مرحوم علامه سید منیر الدین الحسینی الهاشمی رحمته‌الله علیه می‌باشند. ۴- جریانی در مرکز معاونت راهبردی رئیس جمهور تحت عنوان امور تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت که چندین



## ۵.۱.۱- «تبیین ضرورت الگوی پیشرفت»، «تبیین اصل مسأله الگوی پیشرفت» و «تبیین چگونگی تولید الگوی پیشرفت» یک شاخص ۳ محوری در تقسیم جریان های فعال

اگر مسأله «تبیین صحیح ضرورت الگوی پیشرفت» به علاوه «تبیین خود مسأله الگوی پیشرفت اسلامی» و همچنین «تبیین چگونگی تولید الگوی پیشرفت اسلامی» را ملاک طبقه بندی و شاخص دسته بندی جریان ها در کشور قرار دهیم می توان گروه های فعال در این زمینه را تا ۱۰ جریان شمرد.

اسناد علمی ارائه شده در مقالات، کتابها، سایتها و همایشها از سوی شخصیت های مختلف بسیار زیاد می باشد اما عمده مقالاتی که نوشته شده است و خارج از این ۱۰ جریان می باشند، فقط به بحث ضرورت تولید الگو پرداخته اند. بسیاری از ایشان نتوانسته اند تصویری

مسئول عوض کرده است و مسؤولی که هم اکنون کار را پیگیری می کند جناب آقای معصومی راد است. ۵- جریانی در دانشگاه امام صادق (علیه السلام) ۶- جامعه المصطفی العالمیه که در مسأله الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت ورود پیدا کرده است و کارهای خیلی خوبی انجام داده است و شخص شاخص این جریان جناب حجت الاسلام رجایی است. ۷- جریانی در مشهد وجود دارد که حضرت حجت الاسلام شیخ حمید واسطی در کنار حضرت حجت الاسلام دعایی، مجموعه مطالعاتی در آنجا دارند و به این مسأله ورود پیدا کرده اند. ۸- مؤسسه های تحت عنوان مؤسسه توسعه اسلامی که زیر مجموعه دانشگاه تهران فعالیت می کند و از جریان های فعال این قضیه خصوصاً در بخش گفتمانی محسوب می شود. ۹- بنیاد صدرا و مسئولیت این جریان به عهده حجت الاسلام غلامی است و آثاری هم از این بنیاد در زمینه الگوی پیشرفت چاپ شده است و در دسترس می باشد. ۱۰- شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی



هر چند اجمالی از چیستی مسأله الگوی پیشرفت ارائه دهند. بسیاری دیگر راجع به بحث چگونگی تولید الگوی پیشرفت اسلامی سکوت کرده و جریان‌های انگشت شماری به این مسأله ورود پیدا کرده‌اند. اگر شاخص ارزیابی جریان‌های فعال در این مسأله را این ۳ محور قرار دهیم، به ۱۰ جریان فعال در این عرصه خواهیم رسید.

### **۵.۱.۲- ضرورت ایجاد یک گفت و گوی درونی میان ۱۰ جریان موجود برای تجمیع ظرفیت و ایجاد هم‌گرایی و هم‌افزایی میان آن‌ها و سپس یک عزم ملی برای رسیدن به الگوی پیشرفت اسلامی**

با توجه به افق پیش‌روی ما باید یک گفت‌وگوی درونی میان این ۱۰ جریان راجع به مسأله الگوی پیشرفت اتفاق بیفتد تا تجمیع ظرفیت حاصل شود زیرا همگی معتقد هستیم که برای تحقق این الگو نیازمند عزم ملی و توان جمعی هستیم. اگر ۱۰ جریان موجود در اصول و مبانی اساسی برای تولید الگوی پیشرفت اسلامی هم‌گرا حرکت نکنند، ممکن است که برهم‌افزایی گفتمان الگوی پیشرفت اسلامی با مشکل روبه‌رو شود. البته مرکز الگوی پیشرفت اسلامی که زیر نظر دفتر مقام معظم رهبری تشکیل شده است، جریان اصلی بوده و باقی جریان‌ها باید به تبع به این مسأله کمک نمایند. اگر فضای گفت‌وگو راجع به این مسأله برای ایجاد هم‌گرایی آماده شود، به نظر می‌رسد که توانسته‌ایم افقی صحیح برای آینده این مسأله ترسیم نماییم و گام‌های بعدی قطعاً پس از تحقق این گفت‌وگو و این فضا میسر خواهد بود.

## ۵.۲- شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی، یک شورای مردمی و نقشه راه تولید الگوی پیشرفت، اولویت کاری این شورا

شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی یک شورای مردمی است و در شهر مقدس قم راه‌اندازی شده است. اولویت کاری این شورا، نقشه راه دستیابی به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است.

### ۵.۲.۱- «معرفی نقشه راه»، «ارتباط با نهادهای نظام به محوریت موضوعات نقشه راه» و «تنظیم سیاست‌های کلان برای برنامه آتی کشور»، سه دستور کار در برنامه فعلی شورای راهبردی<sup>۱</sup>

شورای راهبردی برای این که مسأله الگوی پیشرفت اسلامی را در کشور مطرح کند، ۳ دستور کار پیش رو دارد:

۱. برگزاری نشست‌های معرفی نقشه راه
۲. تشکیل کارگروه‌های همکاری به محوریت موضوعات نقشه راه
۳. نوشتن سیاست‌های کلان برای برنامه آتی پیشرفت کشور

### ۵.۲.۱.۱- نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی، حاصل ۱۵ سال تلاش؛ ۱۰ سال مطالعات مبنایی و ۵ سال مطالعات کاربردی و معرفی این نقشه، اولین فعالیت شورای راهبردی

---

<sup>۱</sup> تبیین دقیق فعالیت‌های شورای راهبردی همان‌طور که در مقدمه کتاب مطرح شد در قالب بحثی با عنوان *افق‌نمایی برای الگوی پیشرفت اسلامی* صورت می‌گیرد اما از آن جایی که این کتاب از منابع خاصی باید تبعیت می‌کرده، به این سطح از بیان فعالیت‌های این شورا بسنده شده است.

اولین فعالیت شورای راهبردی، معرفی نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی است. تولید نقشه راه حاصل یک تلاش ۱۵ ساله می‌باشد؛ ۱۰ سال مطالعه و تحقیق مربوط به اصل انقلاب اسلامی بوده که در واقع تحصیل مبنا مدّ نظر بوده است و ۵ سال مربوط به مطالعات کاربردی و به عبارتی «چگونگی تغییر در ساختارهای فعلی نظام جمهوری اسلامی به سمت آرمان‌هایش» می‌باشد. معرفی این نقشه اولین کار شورا است و نه یک فعالیت اصلی بلکه یک کار تبعی است.

### ۵.۲.۱.۱.۱- «نشست‌های خانگی»، «مباحثه با سایت‌های خبری» و «نشست با حوزویان و دانشگاهیان»، قالب‌های نشست‌های معرفی نقشه راه

نشست‌های معرفی نقشه راه در ۳ قالب و مدل برگزار می‌شود:

یکی نشست‌های خانگی و نوع دیگر، نشست در رسانه‌ها است که با خبرگزاری‌ها مباحثه می‌شود. نوع آخر، نشست با حوزویان و دانشگاهیان است و در هر کدام از این نشست‌ها بحث معرفی نقشه راه مطرح است.

کسانی که در کشور، سؤال ذهنشان چگونگی کمک به فرآیند تولید الگوی پیشرفت اسلامی است، برای این دوستان یک سری نشست‌ها برگزار می‌کنیم و موضوع نشست‌ها، مسأله چگونگی تولید الگوی پیشرفت اسلامی و جوابمان هم معرفی اولین نقشه راه تولید

الگوی پیشرفت اسلامی است. برگزاری نشست‌های ما هم تابع یک آیین نامه<sup>۱</sup> است.

---

<sup>۱</sup> تحقیق مسائل نو و تأسیسی در جامعه؛ از مسیر گفتمان سازی و تفاهم می‌گذرد. گفتمان سازی نتیجه‌اش: تبیین ابعاد یک مسأله و بالتبع مشارکت برای تحقق آن مسأله است. این قاعده کلی در مورد مسأله مهم "الگوی پیشرفت اسلامی" نیز جاری می‌باشد. آئین نامه گفتمان سازی برای مسأله الگوی پیشرفت اسلامی - با الهام از برخی مفاهیم "اولین نقشه" راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی" مانند اصل مُکث و اصل تضارب- اجمالاً شامل مراحل هشت گانه زیر است:

**گام اول** برای تبیین مسأله الگوی پیشرفت اسلامی انتخاب یک گروه هدف مشخص و علاقه‌مند برای این موضوع است.

**گام دوم** پیشنهاد یک تقویم منظم به گروه هدف، برای برگزاری نشست‌های تبیین الگوی پیشرفت اسلامی است.

**گام سوم** ارسال پیامک منظم با موضوع بیانات آیت‌الله امام خامنه‌ای رحمته‌الله علیه برای گروه هدف در طول دوره برگزاری نشست‌های الگوی پیشرفت اسلامی است. **گام چهارم** اطلاع‌رسانی حول موضوع و تاریخ نشست‌ها در قالب مصاحبه، اطلاعیه، بنر و... می‌باشد.

**گام پنجم** ارسال دعوت نامه برای همه اعضای گروه هدف است.

**گام ششم** ارسال پیشخوان برای همه اعضای گروه هدف است.

**گام هفتم** رایزنی با برخی نخبگان و مؤثرین گروه هدف درباره موضوع نشست می‌باشد.

**گام هشتم** برپا کردن نمایشگاهی از محصولات پژوهشی، پرورشی و پردازشی مرتبط با اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی در حاشیه نشست می‌باشد.

### **۵.۲.۱.۲- ارتباط با نهادهای نظام بر اساس ۸۱ موضوع نقشه راه، فعالیت دوم شورای راهبردی**

ارتباط با نهادهای نظام به محوریت موضوعات نقشه راه، فعالیت دوم شورا می‌باشد. نقشه راه ۸۱ محور دارد که یا نهادی در نظام متکفل آن است که با آن نهاد ارتباط گرفته می‌شود و مباحث مربوط به نقشه راه با آن‌ها در میان گذاشته می‌شود و یا نهادی متکفل آن‌ها نیست بلکه به تدریج ضرورت تأسیس چنین نهادهایی را در جامعه مطرح می‌کنیم. مثلاً موضوع اصلاح نحوه قانون‌گذاری و یا موضوع پیش‌گیری از جرم، نمونه‌هایی از این موضوعات است که هم اکنون در دستور کار می‌باشند.

### **۵.۲.۱.۳- تنظیم سیاست‌های کلان مبتنی بر نقشه راه، سومین فعالیت شورای راهبردی**

کار سوم، تنظیم سیاست‌های کلانی است که مبتنی بر نقشه راه چه تغییراتی باید در برنامه آتی کشور ایجاد شود؛ برنامه‌ای که به غلط موسوم است به توسعه؛ برنامه‌ای که باید ثروت تولید شود. در واقع باید إن شاء الله آن برنامه را برنامه پیشرفت کشور نام‌گذاری کرد.

این گزارش مختصری راجع به بحث شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی و محور فعالیت‌هایش بود که بر اساس نقشه راه گاه

---

<sup>۱</sup> در حال حاضر با برنامه پنجم توسعه پیش می‌رویم و در سال ۱۳۹۴ برنامه ششم توسعه در دستور کار تصویب و اجرا قرار خواهد گرفت.

معرفی می‌شود و گاه با مدیران بر اساس آن تصمیم‌سازی می‌شود. در واقع قصد بر هم زدن تعادل کل برنامه توسعه را دارد. چون برنامه‌های توسعه الآن به محوریت اقتصاد نوشته می‌شود و به نظر می‌رسد با محوریت فرهنگ می‌شود برنامه‌های پیشرفت کشور را عوض کرد.

## فهرست تفصیله

- ۱- الگوی پیشرفت اسلامی، الگوی حفظ جهت گیری  
انقلاب ..... ۱۳
- ۱.۱- طرح رسمی مسأله الگوی پیشرفت اسلامی نخستین بار  
توسط امام خامنه ای عظمت‌الله در سال ۱۳۸۵ در دانشگاه سمنان .... ۱۳
- ۱.۲- مسأله الگوی پیشرفت اسلامی، همان مسأله انقلاب اسلامی  
اما به تفصیل ..... ۱۳
- ۱.۳- فهم جهت حرکت انقلاب اسلامی، پایه فهم الگوی پیشرفت  
اسلامی ..... ۱۴
- ۱.۳.۱- فهم صحیح جهت حرکت انقلاب، نیازمند فهم مبنای  
حرکت انقلاب، مراحل تحقق مبنا و موضوع انتقال هر مرحله .... ۱۵
- ۱.۳.۱.۱- تبیین مبنای حرکت، ورودی بحث تبیین جهت ..... ۱۵
- ۱.۳.۱.۱.۱- مبنا به معنای فکر محقق کننده اهداف ..... ۱۵
- ۱.۳.۱.۱.۱.۱- مبنا و هدف، دو مفهوم متمایز ..... ۱۶
- ۱.۳.۱.۱.۱.۲- مبنای حرکت، یک ایده محوری و ثابت در هر شرایط،  
زمان و مکان ..... ۱۶
- ۱.۳.۱.۱.۳- نظام سازی اسلامی برای تحقق شاخص های هویت  
اسلامی، مبنای حرکت نظام مقدس جمهوری اسلامی ..... ۱۷

- ۱.۳.۱.۱.۴- متأثر بودن حرکت های اجتماعی کشور از دو مبنای دیگر در کنار مبنای انقلاب اسلامی ایران ..... ۱۸
- ۱.۳.۱.۱.۴.۱- جریان روشنفکری با مبنای اصلاح قرائت دینی و با هدف ایجاد فرآیند مدرنیزاسیون، جریانی مؤثر در کشور ..... ۱۹
- ۱.۳.۱.۱.۴.۱.۱- برنامه ریزی بر اساس شاخص ها WDI مبنای جریان روشنفکری ..... ۲۰
- ۱.۳.۱.۱.۴.۲- جریان اسلام سنتی با مبنای استنباط و تبلیغ شاخص های هویت اسلامی، جریان مؤثر دیگری در کشور ..... ۲۱
- ۱.۳.۱.۲- مراحل تحقق، اصطلاح دوم در تبیین مفهوم جهت و بحث از مراحل به معنای تدریجی بودن امر تحقق ..... ۲۲
- ۱.۳.۱.۲.۱- انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و امت اسلامی، مراحل پنج گانه تحقق مبنای جمهوری اسلامی ..... ۲۲
- ۱.۳.۱.۲.۱.۱- تعریف مرحله اول (انقلاب اسلامی سال ۵۷) به مرحله واگذاری اختیارات حکومتی به معتقدین به مبنای انقلاب ..... ۲۳
- ۱.۳.۱.۲.۱.۲- معرفی هویت اجتماعی کشور و انقلاب و همچنین تعریف اصول حرکت، تعریفی از مرحله دوم انقلاب (نظام اسلامی) ..... ۲۵
- ۱.۳.۱.۲.۱.۲.۱- عدم مصادره هویت انقلاب با تعبیراتی چون جمهوری دموکراتیک، نتیجه تعریف بلافصل هویت کشور ..... ۲۶



- ۱.۳.۱.۲.۱.۲.۲- تلاش بر معرفی غیرحقیقی حرکت مردم در انقلاب‌های منطقه و حاکم کردن این تعاریف بر قانون اساسی، از جمله معضله‌های بیداری اسلامی..... ۲۷
- ۱.۳.۱.۲.۱.۲.۳- تعریف مرحله فعلی کشور یعنی دولت اسلامی به مرحله توانمندسازی ساختارها برای تحقق شاخص‌های هویت اسلامی..... ۲۷
- ۱.۳.۱.۲.۱.۳.۱- حفظ هویت خانواده، نخستین ضرورت ساختارها و زیرساخت الگوی پیشرفت اسلامی..... ۳۰
- ۱.۳.۱.۲.۱.۳.۱.۱- ناتوانی سیستم آموزش و پرورش در احیای نهاد خانواده و ضرورت اصلاح این ساختار..... ۳۳
- ۱.۳.۱.۲.۱.۳.۱.۲- الگوی مصرف فعلی، عامل تضعیف خانواده و ضرورت اصلاح آن..... ۳۴
- ۱.۳.۱.۲.۱.۳.۱.۴- مرحله چهارم با عنوان جامعه اسلامی به معنای مرحله توانمندی ساختارهای کشور برای تحقق شاخص‌های هویت اسلامی..... ۳۵
- ۱.۳.۱.۲.۱.۳.۱.۵- تعریف مرحله امت اسلامی به مرحله انتشار الگوی اداره جامعه اسلامی به سایر نقاط جهان..... ۳۵
- ۱.۳.۱.۲.۱.۳.۱.۶- دخیل بودن مینا در تفسیر مراحل، عامل تفسیر صحیح مراحل پنجگانه..... ۳۵
- ۱.۳.۱.۲.۱.۳.۲- تحقق توانمندسازی ساختارهای جمهوری اسلامی (تحقق مرحله دولت اسلامی) در سه مرحله با سه قانون اساسی؛

- قانون اساسی فعلی، قانون اساسی الگوی پیشرفت اسلامی و قانون اساسی انقلاب فرهنگی ..... ۳۶
- ۱.۳.۱.۳- «موضوع انتقال»، رکن سوم از ارکان مفهوم جهت ..... ۳۸
- ۱.۳.۱.۳.۱- تعریف مفهومی و ساده «موضوع انتقال» به موضوع برطرف کننده مانع پیش رو در هر مرحله ..... ۳۸
- ۱.۳.۱.۳.۲- تشخیص صحیح و به موقع موضوع انتقال، عامل انتقال به مرحله بعد ..... ۳۹
- ۱.۳.۱.۳.۲.۱- عدم شناخت موضوع انتقال، عامل بسیج کردن جامعه بر موضوعی غیر ضروری ..... ۳۹
- ۱.۳.۱.۳.۲.۲- خطر انتقال به مراحل قبل، نتیجه عدم تمرکز بر موضوع انتقال هر مرحله ..... ۴۱
- ۱.۳.۱.۳.۱.۱- تمایل به الگوهای غیر اسلامی، مانع مرحله اول انقلاب و تمرکز امام راحل علیه السلام بر تئوری ولایت فقیه، موضوع انتقال از این مرحله به مرحله نظام اسلامی ..... ۴۱
- ۱.۳.۱.۳.۱.۲- عدم توانمندی داخلی کشور برای استقرار نظام، مانع مرحله دوم انقلاب و تمرکز بر مسأله دفاع مقدس، موضوع انتقال از مرحله دوم به مرحله دولت اسلامی ..... ۴۳
- ۱.۳.۱.۳.۱.۳- توسعه غربی، مانع مرحله سوم انقلاب و تولید الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، موضوع انتقال از این مرحله به مرحله جامعه اسلامی ..... ۴۶

- ۱.۳.۱.۳.۱.۴- بانک اطلاعات اسلامی، موضوع انتقال از مرحله چهارم به مرحله امت اسلامی ..... ۴۷
- ۱.۵- عدم تأثیرگذاری مبنایی واژه «ایرانی» در مفهوم الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ..... ۴۷
- ۱.۵- الگوی پیشرفت اسلامی، روش تحقق اهداف اسلامی ..... ۴۸

- ۲- اصلاح ساختارهای ذهنی (هدایت نظامات ذهنی) از راه پردازش موضوعات جهت‌ساز، پاسخ نقشه راه به چگونگی تولید الگوی پیشرفت اسلامی ..... ۵۳
- ۲.۱- ضرورت حذف مانع توسعه غربی در برنامه ریزی های کشور برای انتقال به مرحله جامعه اسلامی ..... ۵۳
- ۲.۲- تعریف الگوی پیشرفت اسلامی به نظام معادلات محقق کننده مبنا و نقد توسعه، مدخل تولید این نظام معادلات ..... ۵۴
- ۲.۳- ساختارهای علمی، عینی و ذهنی، سه ساختار ضد جهت و ضرورت اصلاح آن ها برای حفظ جهت گیری انقلاب ..... ۵۷
- ۲.۴- نقد ساختارهای علمی، عینی و ذهنی، انواع سه گانه نقد و قسم اخیر، روش نقشه راه در تولید الگوی پیشرفت اسلامی ..... ۵۸
- ۲.۴.۱- نقد ساختارهای علمی به معنای نقد ریشه ها و مبانی فلسفی و روشی غرب ..... ۵۸

- ۲.۴.۱.۱- طولانی مدت بودن، عدم همگرایی بین اندیشمندان و به خصوص غفلت از مدیریت فعلی تحولات، سه اشکال اساسی به این رویکرد ..... ۵۸
- ۲.۴.۲- نقد ساختارهای عینی به معنای نقد ساختارها و نهادها و برنامه‌های توسعه محور ..... ۶۰
- ۲.۴.۲.۱- عدم امکان تفاهم با جامعه و همچنین غفلت از تحولات تدریجی، دو اشکال اساسی به این رویکرد ..... ۶۰
- ۲.۴.۳- نقد ساختارهای ذهنی به معنای نقد نگرش‌های ضد جهت ..... ۶۰
- ۲.۴.۳.۱- تعریف ساختارهای ذهنی به نگرش‌های بسیج‌کننده جامعه بر روی موضوع مورد نظر و تعریف نگرش به یک چهارچوب ذهنی ..... ۶۱
- ۲.۴.۴- اصلاح ساختارهای ذهنی، بستر ساز اصلاح ساختارهای عینی و علمی ..... ۶۳
- ۲.۵- پردازش موضوعات جهت ساز، راه اصلاح ساختارهای ذهنی و ۸۱ موضوع جهت ساز در نقشه راه ..... ۶۴
- ۲.۵.۱- قدرت بر مدیریت فعلی تحولات اجتماعی، از اساسی ترین مزایای پردازش موضوعات جهت ساز ..... ۶۵
- ۲.۵.۲- گفتمان سازی، از دیگر مزایای پردازش موضوعات جهت ساز ..... ۶۷

۳- یکسان انگاری پیشرفت اسلامی و توسعه غربی،  
بزرگترین خطر در مسیر تولید الگو و ضرورت رفع این  
خطر برای نیل به مقصود ..... ۷۱

۳.۱- ارائه یک سری سفارشات نو و بی سابقه از ناحیه ادبیات انقلاب  
و پاسخگویی غلط به آن ها از سوی جامعه علمی، یک آسیب جدی  
در روند علمی کشور..... ۷۱

۳.۱.۱- مسأله «زمان و مکان» مطرح شده توسط امام راحل عظیم  
الشان و انحلال آن در مسأله ای دیگر، نمونه ای از آسیب های  
جامعه علمی کشور در اوایل انقلاب ..... ۷۴

۳.۲- مسأله الگوی پیشرفت اسلامی در صدر سفارشات انقلاب .. ۷۵

۳.۳- یکسان انگاری پیشرفت اسلامی و توسعه غربی به عنوان  
بزرگترین خطر در مسیر تولید الگوی پیشرفت، حاصل نادیده  
گرفتن روند علمی کشور..... ۷۵

۳.۳.۱- یکسان انگاری، ناسازگار با ایده انقلاب یعنی اداره جامعه  
بر مبنای دین ..... ۷۷

۳.۳.۱.۱- شباهت عدم فهم مسأله الگوی پیشرفت اسلامی در دنیای  
مبتنی بر توسعه به عدم فهم اختراع لامپ در زمان استفاده از چراغ  
های گرسوز..... ۷۷

۳.۴- رفع خطر یکسان انگاری نیازمند تبیین دقیق اشتراکات و  
افتراقات ایده انقلاب با ایده های رایج دنیا ..... ۷۹

- ۳.۴.۱- اختلاف عمیق و مبنایی الگوی پیشرفت اسلامی با توسعه غربی و شاخص‌های جهانی توسعه (WDI) گویای این اختلاف .. ۸۰
- ۳.۴.۲- توجه به آثار توسعه غربی در جوامع امروزی و به خصوص توجه به تجربیات ۳۰ ساله انقلاب، مؤثر در فهم ناکارآمدی الگوهای توسعه غربی ..... ۸۱
- ۳.۴.۲.۱- بازخوانی تجربه دوران سازندگی، مؤثر در فهم ناکارآمدی الگوی توسعه غربی ..... ۸۳
- ۳.۴.۲.۲- بازخوانی تجربه دوران اصلاحات، مؤثر در فهم ناکارآمدی الگوی توسعه غربی ..... ۸۴

- ۴- گفتمان سازی، گام اول در مسیر تولید الگو و رافع خطر یکسان‌انگاری و هدایت نظامات ذهنی (اصلاح ساختارهای ذهنی) از طریق پردازش موضوعات جهت ساز، مؤثرترین روش در این گام ..... ۸۹
- ۴.۱- تولید الگوی پیشرفت اسلامی نیازمند عزم ملی و ایجاد عزم ملی نیازمند گفتمان سازی حول این موضوع ..... ۸۹
- ۴.۱.۱- حرکتی بی‌سرانجام در مسیر تولید الگو بدون ایجاد درک فراگیر نسبت به این مسأله ..... ۹۰
- ۴.۲- روش‌های آموزشی، روش‌های تبلیغی و روش جامعه‌شناسی اسلامی، ۳ روش در گفتمان سازی ..... ۹۰

- ۴.۲.۱- فقدان منابع علمی، فقدان منابع انسانی و عدم ایجاد نیاز در  
 نخبگان به مسأله الگوی پیشرفت، ۳ دلیل در ناکارآمدی روش‌های  
 آموزشی ..... ۹۱
- ۴.۲.۲- ناکارآمدی روش‌های آموزشی، دلیل بر ناکارآمدی روش  
 های تبلیغی ..... ۹۲
- ۴.۲.۳- ضرورت رعایت ۳ اصل اساسی در روش جامعه‌شناسی  
 اسلامی برای ایجاد تحوّل ..... ۹۲
- ۴.۲.۳.۱- ورودی بحث غیر قابل انکار، اصل اول در روش جامعه  
 شناسی اسلامی ..... ۹۲
- ۴.۲.۳.۲- قابلیت ترجمه ورودی بحث به مسأله الگوی پیشرفت  
 اسلامی، اصل دوم در روش جامعه‌شناسی ..... ۹۴
- ۴.۲.۳.۳- قدرت ایجاد مشارکت اجتماعی، اصل سوم در روش  
 جامعه‌شناسی اسلامی ..... ۹۷
- ۴.۳- وقوع حوادث اخیر دنیا از جمله بیداری اسلامی و قیام  
 وال‌استریت، پدیدآورنده فضای مناسب‌تر برای پرداختن به مسأله  
 الگوی پیشرفت اسلامی ..... ۹۷

۵- شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی، از جمله  
 جریانات فعال بر مسأله الگوی پیشرفت اسلامی و نقشه  
 راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی، اولویت کاری این شورا .... ۱۰۳

- ۵.۱- تقسیم جریان های فعال بر مسأله الگوی پیشرفت اسلامی به  
۱۰ جریان براساس یک شاخص ..... ۱۰۳
- ۵.۱.۱- «تبیین ضرورت الگوی پیشرفت»، «تبیین اصل مسأله  
الگوی پیشرفت» و «تبیین چگونگی تولید الگوی پیشرفت» یک  
شاخص ۳ محوری در تقسیم جریان های فعال ..... ۱۰۴
- ۵.۱.۲- ضرورت ایجاد یک گفت و گوی درونی میان ۱۰ جریان  
موجود برای تجمیع ظرفیت و ایجاد هم گرایی و هم افزایی میان  
آن ها و سپس یک عزم ملی برای رسیدن به الگوی پیشرفت  
اسلامی ..... ۱۰۵
- ۵.۲- شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی، یک شورای مردمی  
و نقشه راه تولید الگوی پیشرفت، اولویت کاری این شورا ..... ۱۰۶
- ۵.۲.۱- «معرفی نقشه راه»، «ارتباط با نهادهای نظام به محوریت  
موضوعات نقشه راه» و «تنظیم سیاست های کلان برای برنامه آتی  
کشور»، سه دستور کار در برنامه فعلی شورای راهبردی ..... ۱۰۶
- ۵.۲.۱.۱- نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی، حاصل ۱۵ سال  
تلاش؛ ۱۰ سال مطالعات مبنایی و ۵ سال مطالعات کاربردی و  
معرفی این نقشه، اولین فعالیت شورای راهبردی ..... ۱۰۶
- ۵.۲.۱.۱.۱- «نشست های خانگی»، «مباحثه با سایت های خبری» و  
«نشست با حوزویان و دانشگاهیان»، قالب های نشست های معرفی  
نقشه راه ..... ۱۰۷



۵.۲.۱.۲- ارتباط با نهادهای نظام بر اساس ۸۱ موضوع نقشه راه،

فعالیت دوم شورای راهبردی ..... ۱۰۹

۵.۲.۱.۳- تنظیم سیاست های کلان مبتنی بر نقشه راه، سومین

فعالیت شورای راهبردی ..... ۱۰۹